



پیام باستان‌شناس

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۹۸۸۶-۲۹۸۰

دوره ۱۴، شماره ۲۷، پاییز و زمستان ۱۴۰۱



پژوهش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی دره رودخانه سیروان؛

شهرستان‌های سنندج و سروآباد استان کردستان

شکوه خسروی^۱، سامان مصطفی‌پور^۲، فرهاد فتاحی^۲

DOI: 10.30495/peb.2023.702228

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۶

چکیده

بررسی باستان‌شناختی بخشی از دره رودخانه سیروان در حد فاصل شرق شهرستان سروآباد و غرب شهرستان سنندج در جنوب‌غربی استان کردستان طی مهرماه ۱۳۹۶ به انجام رسید. این بررسی تنها نواحی آبگیر سد نی‌آباد را در بر می‌گرفت، که در نتیجه آن مجموعاً ۱۱ محوطه شناسائی گردید. قدیم‌ترین محوطه به دوره اشکانی تعلق دارد. از این دوره ۶ محوطه شناسائی شده است. همچنین، یافته‌هایی از قرون ۴ تا ۶ هجری تنها در یک محوطه شناسایی شد. کمبود محوطه‌های باستانی در محدوده دره به احتمال زیاد با جریان‌های زمین‌ریخت‌شناسی و وضعیت توپوگرافی دره در ارتباط است. فقدان اراضی قابل کشاورزی، سنگلاخی بودن منطقه و شیب بیش از حد اراضی واقع در دره باعث شده تا در سرتاسر منطقه تنها ۹ محوطه باستانی و دو گورستان شکل بگیرد. قرارگیری در شیب دامنه‌ها و تک دوره‌ای بودن محوطه‌ها باعث گردیده در اغلب محوطه‌ها ما تنها شاهد وجود شمار اندکی قطعه سفال باشیم که به ظاهر در بستری طبیعی و فاقد هر گونه نهشته باستان‌شناختی پراکنده هستند. برای شناخت محوطه‌های در خطر، چهار مورد از آنها مورد گمانه‌زنی قرار گرفت که سه محوطه دارای بقایای استقرار فصلی بود و در محوطه ده کهنه^۱، گورستانی از دوره اشکانی آشکار گردید که یک گور چاله‌ای ساده و یک گور خمره‌ای از کاوش آن آشکار گردید. ظاهراً در طول تاریخ، دره رودخانه سیروان در محدوده روستاهای نگل تا نی‌آباد دارای استقرارهای متعدد و چندان مهمی نبوده و با توجه به شرایط محیطی و توپوگرافی شاهد آبادانی و رونق این نواحی نیستیم. الگوی پراکندگی محوطه‌ها و وضعیت ظاهری نهشته‌های باستان‌شناختی نشان می‌دهد که الگویی مشابه با امروز در منطقه حکمفرما بوده است.

واژگان کلیدی: کردستان، سروآباد، سد نی‌آباد، دوره اشکانی، استقرار فصلی، گورستان، گور خمره.

* **استاد:** خسروی، شکوه، مصطفی‌پور، سامان، فتاحی، فرهاد (۱۴۰۱). پژوهش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های باستانی دره رودخانه سیروان؛ شهرستان‌های سنندج و سروآباد استان کردستان. *پیام باستان‌شناس*، ۱۴ (۲۷)، ۱۵۵-۱۸۵.

^۱ دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس. نویسنده مسئول. shokouh.khosravi@gmail.com

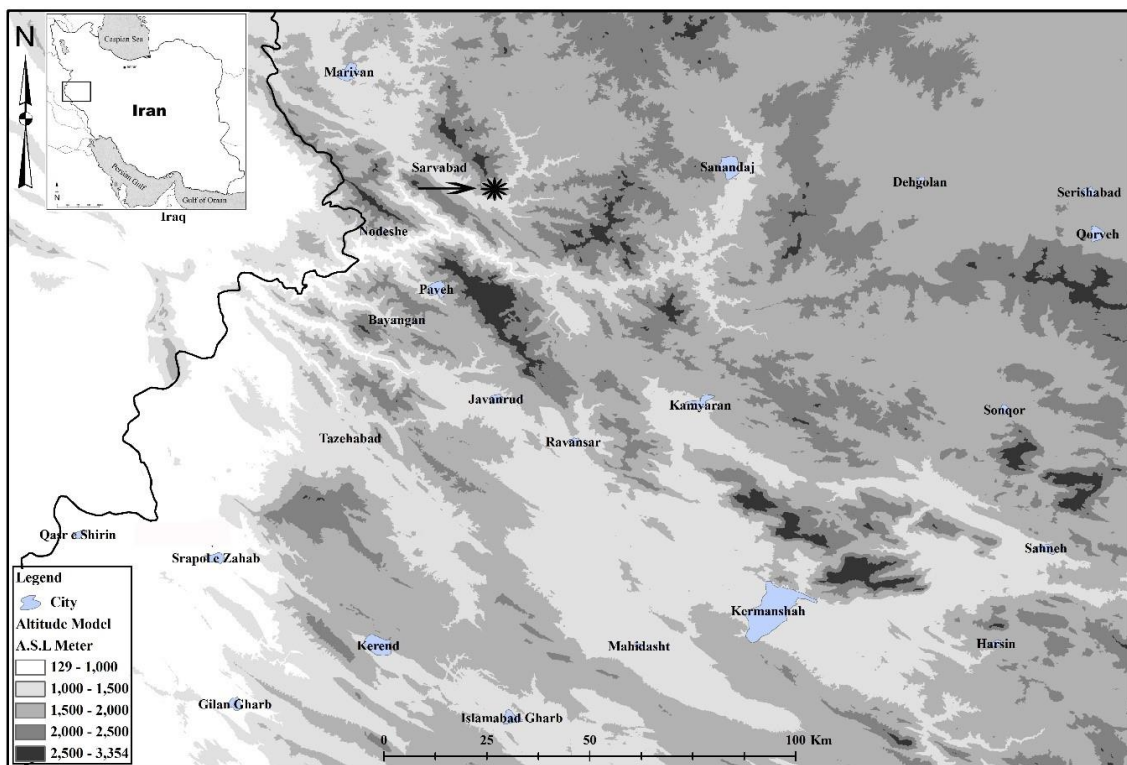
^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه.

مقدمه

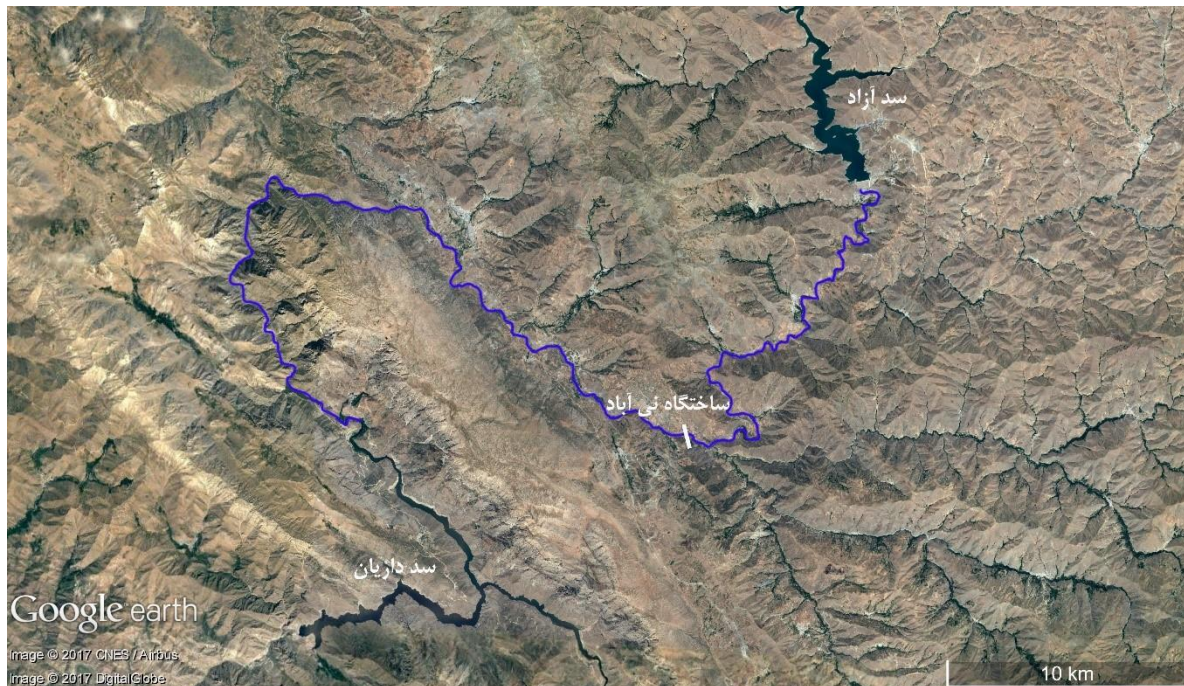
طی دوره‌های آبنگیزی سد بلبر، بخشی از دره نی‌آباد-نگل به زیر آب خواهد رفت و تحت تاثیر فعالیت‌های این برنامه قرار خواهد گرفت (شکل ۲).

بر این اساس لزوم مطالعات باستان‌شناختی در این محدوده ضروری بود تا بتوان با انجام بررسی‌های باستان‌شناختی محوطه‌های در خطر را یافت و در صورت نیاز پیش از هرگونه تهدید، آسیب یا تخریب مورد گمانه‌زنی و کاوش اضطراری قرار داد. از این رو برای شناسایی آثار باستانی این مناطق و جلوگیری از تخریب و هرگونه دست‌اندازی به این آثار، پژوهشکده باستان‌شناسی طرح بررسی‌های باستان‌شناختی در محدوده اجرای این طرح را در پائیز ۱۳۹۶ آغاز کرد. بر این اساس منطقه اجرای طرح مشخص و هیاتی متشکل از باستان‌شناسان ایرانی به سرپرستی شکوه خسروی به این مناطق اعزام گردید. پس از بررسی در سال ۱۳۹۹ چهار محوطه در خطر مورد گمانه‌زنی قرار گرفت.

بر اساس یکی از طرح‌های عمرانی وزارت نیرو، در مسیر رودخانه سیروان (آزاد) درست در پائین دست سد آزاد در شهرستان سروآباد استان کردستان طرحی در دست اجراست که می‌بایست توسط پژوهشکده باستان‌شناسی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گرفت (شکل ۱). در واقع این سد با دو رویکرد عمده ساخته خواهد شد. نخست: ایجاد سد کوچکی بر روی رودخانه سیروان با هدف جلوگیری از انتقال و تجمع رسوبات سیلابی منطقه در سد بزرگ داریان در پائین دست و دوم، ذخیره آب بیشتر در پشت سد بلبر. در واقع این سد پشتیبان و یک رسوب گیر بزرگ برای سد داریان به شمار خواهد رفت که قرار است آب مورد نیاز اراضی کشاورزی وسیعی از ثلاث باباجانی در شمال تا موسیان در جنوب که قرار است به زیر پوشش شبکه گسترده آبیاری، آبرسانی و کشاورزی مکانیزه برود را تامین کند. از این رو در زمان آماده‌سازی این بستر، و همچنین در طول مدت اجرای این پروژه و



شکل ۱: موقعیت کلی محدوده بررسی طرح بلبر (ساختمان نی‌آباد) در استان کردستان (با سپاس از سعید بهرامیان)



شکل ۲: موقعیت کلی ساختگاه نی‌آباد در حد فاصل سد آزاد و سد داریان (با اضافاتی برگرفته از گوگل ارث)

باستان‌شناسی که در چشم انداز منطقه پراکنده هستند، پیش از انجام هرگونه طرح عمرانی و توسعه‌ای ضروری است. در واقع هدف اصلی از این برنامه بررسی و شناسایی مکان‌های باستانی منطقه و ثبت و ضبط دقیق آنها برای جلوگیری از تخریب و به حداقل رساندن آسیب‌های احتمالی طی اجرای طرح بلبر (ساختگاه سد نی‌آباد) و گردآوری اطلاعاتی برای انجام مطالعات باستان‌شناختی منطقه است. با این حال علی‌رغم در اولویت قرار داشتن جنبه اجرایی کار و لزوم شناسایی محوطه‌های باستانی و نجات محوطه‌های در خطر، پرسش‌هایی نیز در راستای اهداف پژوهشی ما مطرح بود که به قرار زیر بودند:

پرسش‌ها

- پیشینه استقرار در منطقه به چه دوره‌ای باز می‌گردد؟
- بر اساس یافته‌های بررسی، ماهیت استقرارها و محوطه‌های منطقه چگونه است؟
- الگوی استقرارهای محوطه‌های باستانی در دوره‌های مختلف به چه شکل بوده است؟

منطقه سروآباد و غرب شهرستان سنندج منطقه کوهستانی و بسیار ناهمواری است که در حوضه غربی ارتفاعات زاگرس و حد فاصل کوهستان زاگرس و سرزمین پست بین‌النهرین واقع گردیده است. این مناطق با توجه به وضعیت زیست محیطی می‌توانسته به عنوان یک گذرگاه مورد توجه قرار گیرد به طوری که وجود سفال‌های دوره اوروک در تپه سرقلعه سروآباد را مدرکی برای چنین وضعیتی پیشنهاد کرده‌اند (ساعدموچشی و دیگران ۱۳۹۱). به طور کلی این نواحی می‌توانسته به عنوان یکی از نقاط ارتباط‌دهنده ارتفاعات و دشت‌های میان‌کوهی زاگرس و سرزمین‌های پست بین‌النهرین، فرض شود. با این حال به رغم اهمیت چنین مناطقی ما تنها از یکی دو محوطه منطقه مطلع هستیم و از سیمای باستان‌شناختی این نواحی به ویژه در دوره پیش از تاریخ و آغاز تاریخی تقریباً بی‌اطلاعم. از این رو به نظر می‌رسد که با توجه به کمبود اطلاعات باستان‌شناختی در منطقه، بررسی و شناسایی دقیق کل منطقه با هدف کشف تمامی شواهد و بقایای

کاوش‌های لایه‌نگاشتی و حفریات گسترده اطلاعات ارزنده‌ای از گذشته این مناطق کسب کنند. بر همین اساس نویسندگان نوشتار حاضر معتقدند که همین بررسی‌های محدود و همین اطلاعات اندک نیز می‌تواند برای تکمیل پازل باستان‌شناسی منطقه مفید باشد.

هدف اصلی از این پژوهش بررسی و شناسایی مکان‌های باستانی منطقه و ثبت و ضبط دقیق آنها برای انجام مطالعات روشمند در آینده است. در این پژوهش قصد بر آن است تا با مطالعه زمانی و مکانی مکان‌های شناسایی شده تصویری نسبتاً روشن از گذشته این دره ارائه دهیم. به طور خلاصه، اهداف پژوهش میدانی در این بخش از دره را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

- شناسایی تمامی محوطه‌های باستانی واقع در محدوده دریاچه سد و تهیه نقشه باستان‌شناختی آن.

- مطالعه وضعیت استقرارها و تبیین ویژگی‌های استقرارهای هر دوره بر اساس یافته‌های حاصل از بررسی.

- ارائه چارچوبی گاهنگارانه برای منطقه بر اساس مطالعه یافته‌های بررسی و ترکیب این داده‌ها با یافته‌های کاوش‌های باستان‌شناختی مناطق پیرامون.

- مطالعه الگوی‌های زیستگاهی محوطه‌های باستانی و تحلیل رابطه میان بهره‌وری از منابع زیست‌محیطی و شکل‌گیری استقرارهای باستانی بر اساس مدل‌های باستان‌شناختی.

پیشینه پژوهش‌های باستان‌شناسی در منطقه

پژوهش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در محدوده جنوب‌غربی استان کردستان بسیار انگشت شمار و تنها محدود به چند بررسی و کاوش باستان‌شناسی است (برای اطلاعات بیشتر ن.ک: معصومیان و رحیمی گلوگاهی، ۱۳۹۱). هر چند محوطه‌هایی چون تپه کلین کبود از پیش از انقلاب و در نتیجه بررسی‌های علی‌اکبر

- استقرارهای باستانی و فرهنگ‌های گذشته منطقه در کدام حوضه جغرافیایی فرهنگی می‌گنجد و تحت تاثیر یا در ارتباط با کدام مناطق فرهنگی دیگر بوده است؟

اهداف

بر اساس یکی از طرح‌های شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران قرار است سدی در بخش شرقی شهرستان سروآباد، با عنوان طرح بلبر (ساختگاه نی‌آباد) ایجاد شود. با توجه به خطر نابودی محوطه‌های باستانی در این محدوده گام نخست به بررسی و شناسایی محوطه‌های باستانی حوضه سد اختصاص دارد و سپس در گام بعدی مطالعات تکمیلی برای شناخت و درک بیشتر فرهنگ‌های منطقه انجام خواهد گرفت. علاوه بر این ناشناخته ماندن منطقه در مطالعات باستان‌شناختی این بخش از استان کردستان و قرارگیری آن در میان دو حوضه فرهنگی زاگرس مرکزی و شمال‌غرب ایران لزوم شناخت هرچه بیشتر آن را دو چندان می‌کند. یافته‌های این پژوهش‌ها می‌تواند پرسش‌های چندی را پاسخگو باشد و اطلاعاتی را به دانش ما درباره گذشته منطقه بیفزاید.

می‌دانیم که استان کردستان از لحاظ پژوهش‌های باستان‌شناختی خلاهای مطالعاتی فراوانی دارد. نگاهی به مناطق همجوار چون استان‌های آذربایجان، کرمانشاه و همدان و همچنین کردستان عراق به خوبی نشان دهنده کمبود مطالعات باستان‌شناختی در منطقه است. شمار اندک پژوهش‌های باستان‌شناختی در استان کردستان چه پیش و چه پس از انقلاب اسلامی این منطقه را به یکی از کم شناخته شده‌ترین مناطق ایران از دیدگاه باستان‌شناختی مبدل نموده است. تنها طی سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در منطقه انجام شده است که می‌تواند افق‌های جدیدی در مطالعات باستان‌شناسی منطقه به روی باستان‌شناسان بگشاید. از این رو نگارندگان امیدوارند تا پژوهشگران مستعد و کاردان با انجام بررسی‌های میدانی،

دیگران، ۱۳۹۵؛ Ghasimi et al., 2021)، پناهگاه صخره‌ای گلوان، غار تله گا ۱ (شیدرننگ و دیگران، ۱۳۹۵)، پناهگاه صخره‌ای مرو، غار کناچه، پناهگاه مرو هناری، پناهگاه برومرا و غار مرو سوچری، (بیگلری و دیگران ۱۳۹۵؛ Biglari and Shidrang, 2019) ادامه یافت. با این حال، تاکنون دامنه بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناختی شهرستان سروآباد هیچگاه به بخش‌هایی که محدوده طرح بلبر (سد نی‌آباد) است، کشیده نشده است.

موقعیت و سیمای طبیعی منطقه مورد بررسی

محدوده اجرای بررسی و شناسائی طرح بلبر (ساختگاه نی‌آباد) در حد فاصل سد آزاد در بالا دست و سد داریان در پایین دست، در امتداد رودخانه سیروان واقع است. این محدوده شامل بخشی از دره‌های واقع در حدفاصل روستای نی‌آباد شهرستان سروآباد در غرب تا نزدیکی روستای نگل بخش کلاترزان شهرستان سنندج در شمال شرق ساختگاه سد است. محدوده مورد نظر شامل ۵۸۵ هکتار از اراضی و ناهمواری‌های پیرامون رودخانه سیروان و دو دره فرعی (دره زنجیر و دره دو آو) است که حدود ۲/۵ تا ۳ کیلومتر طول و بین ۵۰ تا ۳۰۰ متر عرض دارد.

منطقه مورد مطالعه متشکل از چند دره باریک و طویل است که ارتباطات جغرافیایی منطقه از طریق راه‌های واقع در امتداد آنها امکان‌پذیر شده است. این نواحی با کوهستان‌های کم و بیش مرتفع محصورند و از نظر زمین‌ریخت‌شناسی در محیطی فعال واقع شده‌اند. آنگونه که پیداست عواملی چون فرسایش و در موارد بسیار اندکی رسوب‌گذاری در منطقه فعال است و می‌توان این موضوع را در وضعیت توپوگرافی منطقه و به ویژه دامنه‌ها و ارتفاعات فرسایش یافته مشاهده کرد. تراس‌های اندک، زمین‌های مسطح ناچیز و پستی و

سرفراز و همکارانش شناسایی شده بود (سرفراز و دیگران، ۱۳۴۷)، اما نخستین بار یعقوب محمدی‌فر و عباس مترجم در سال ۱۳۸۱ بررسی‌های وسیعی را به مرکزیت دریاچه زریوار به انجام رسانند که در نتیجه آن محوطه‌هایی از دوره پارینه‌سنگی تا دوران اسلامی شناسایی شد (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۸۱؛ Mohamadifar and Motarjem, 2009). سپس محمدی‌فر و همکارانش به بررسی و کاوش در گورستان‌هایی از دوره اشکانی در منطقه پرداختند که نتایج بررسی‌ها به صورت محدود منتشر شده است (ن.ک: محمدی‌فر و صراف، ۱۳۸۳؛ محمدی‌فر و هژبری نوبری، ۱۳۸۳). در سال ۱۳۸۶ حوضه آبگیر سد آزاد به منظور شناسایی محوطه‌های باستانی واقع در محدوده سد، مورد بررسی قرار گرفت که منجر به شناسایی ۲۱ محوطه از دوران پیش‌ازتاریخ تا دوران اسلامی شد (جوانمردزاده و دیگران، ۱۳۹۰). با توجه به نتایج بررسی‌های باستان‌شناسی در حوضه سد آزاد و لزوم کاوش محوطه‌های در خطر، دو محوطه لوشته و حاجی‌آباد در این حوضه در سال ۱۳۸۷ توسط لیلا خسروی کاوش شد (خسروی، ۱۳۸۷). بررسی دهستان-های پایگلان و ژریژه سروآباد (کریمی و سیف‌پناهی، ۱۳۹۲)، بررسی پارینه‌سنگی شهرستان سروآباد در سال ۱۳۹۱ (ساعدموچشی و دیگران، ۱۳۹۳) و گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و حریم تپه سرقلعه سروآباد (ساعدموچشی و دیگران، ۱۳۹۴) فعالیت‌های میدانی است که در منطقه انجام شده است. علاوه بر اینها در راستای نجات بخشی محوطه‌های واقع در محدوده سد داریان در شهرستان سروآباد بررسی‌هایی در این محدوده توسط فریدون بیگلری به انجام رسید که بعدها با کاوش‌ها و گمانه‌زنی‌هایی در محوطه سرچم روستای روآر (ساعدموچشی ۱۳۹۵ الف)، برده مار (ساعدموچشی، ۱۳۹۵ ب)، گور باستانی روآر (قسیمی و

بررسی باستان‌شناسی در محدوده طرح بلبر

هدف از این بررسی، کشف، شناسایی و مطالعه مکان‌های باستانی از آغاز تا به امروز با هدف جلوگیری از تخریب آنها طی زمان اجرا و بهره‌برداری از اراضی محدوده طرح مذکور بود. با این وجود درک روند فعالیت‌های بشر در منطقه، بررسی الگوهای استقرار، و مطالعه رابطه میان مکان‌گزینی محوطه‌ها و بهره‌وری از منابع زیست محیطی از جمله اهداف پژوهشی اولیه‌ای بود که در نتیجه شناسایی محوطه‌ها حاصل می‌آمد.

شیوه کار در این فصل با توجه به توپوگرافی دره به صورت ترکیبی از روش پیمایشی در دامنه‌ها، تراس‌های قدیمی رودخانه و نواحی مستعد و در موارد محدودی استفاده از خودرو در اراضی سیلاب گرفته و یا کاملاً صخره‌ای بود. تا حد امکان تمامی محل‌های موجود با یک گروه ۵ نفری با روزی ۱۰-۱۱ ساعت پیاده‌روی مورد بررسی دقیق قرار گرفت. ضمن استفاده از نرم افزار گوگل ارث، با در دست داشتن نقشه‌های ۱:۲۵۰۰۰ و تصاویر هوایی، از کمک و راهنمایی‌های مردم محلی نیز برای اطلاع یافتن از وجود محل‌های باستانی بهره برده شد.

پس از شناسایی محوطه‌های باستانی، بررسی آن به صورت پیمایش فشرده تمام قسمت‌ها صورت گرفت. نمونه‌برداری از سطح این محوطه‌ها، با توجه به محدودیت بالای مواد فرهنگی در سطح محوطه‌ها به صورت انتخابی صورت گرفت و با توجه به هدف و اولویت بررسی (یعنی شناسایی) و کمبود شگفت‌آور مواد سطحی امکان نمونه‌برداری روشمند وجود نداشت.

بلندی‌های فراوان پیرامون رودخانه‌ها و دره‌ها نشان می‌دهد که میزان رسوب‌گذاری در اغلب نقاط منطقه بسیار کم است، اما در عوض با توجه به شیب بالای منطقه و بسترهای رسی منطقه و سازندهای کم و بیش نرم آن، میزان فرسایش در منطقه بسیار زیاد است.

حوضه آبرگیر سد نی‌آباد را مجموعه‌ای از دره‌های موازی تنگ و V شکلی تشکیل داده است که در میان آن‌ها رودخانه‌های چم‌دره زنجیر، سیروان و دوآو در جریان است. در واقع رودخانه دوآو و چم‌دره زنجیر در مسیر خود به رودخانه سیروان می‌پیوندند و مسیر خود را به سوی غرب ادامه می‌دهند. سیمای ظاهری این محدوده را ارتفاعات نسبتاً بلند با پوشش گیاهی شامل درختان بلوط تشکیل داده است. این بخش اغلب فاقد زمین‌های کشاورزی است و تنها با استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی قابل بهره‌برداری است (شکل ۳). دره نگل - نی‌آباد چندان عریض نیست بنا بر این دریاچه سد در بیشترین حد (غرب روستای لنگریز) یک کیلومتر و در کمترین حد خود در انتهای مخزن (در نزدیکی روستای نگل) حدود ۵۰ متر عرض خواهد داشت. منبع اصلی آب این سد، سرریز آب سد آزاد در بالا دست و جریان‌های سطحی دره نگل - نی‌آباد و چشمه‌سارهای پیرامون دره است. بیشترین سطح آب پشت سد در نزدیکی ساختگاه ۸۰ متر بالا خواهد آمد و اراضی دره تا ارتفاع ۱۲۹۰ متر از سطح آب را در بیشترین سطح آبرگیری، به زیر آب خواهد برد. بر همین اساس تمامی نواحی پیرامون دره تا این ارتفاع و در مواردی ارتفاع بالاتر مورد بررسی پیمایشی قرار گرفت و تمامی نواحی در خطر مورد بررسی و بازدید قرار گرفت.

شماره ۹۶۲۱۴۱/۳۴/۴۹۷۰ ریاست محترم پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری به تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۰ و ابلاغیه شماره ۹۶۲۱۴۱/۳۴/۲۰۹۳ مورخ ۹۶/۰۶/۲۵ به شکوه خسروی محول شد.

^۴ بررسی باستان‌شناسی طرح بلبر در آغاز با هدف شناسایی مکان‌های باستانی واقع در محدوده مورد بهره‌برداری طرح مذکور (دره نی‌آباد - نگل) زیر نظر پژوهشکده باستان‌شناسی، طی مجوز



شکل ۳: نمای عمومی دره رودخانه سیروان (آزاد) در نزدیکی روستای لنگریز (عکس از رضا عزیزی)

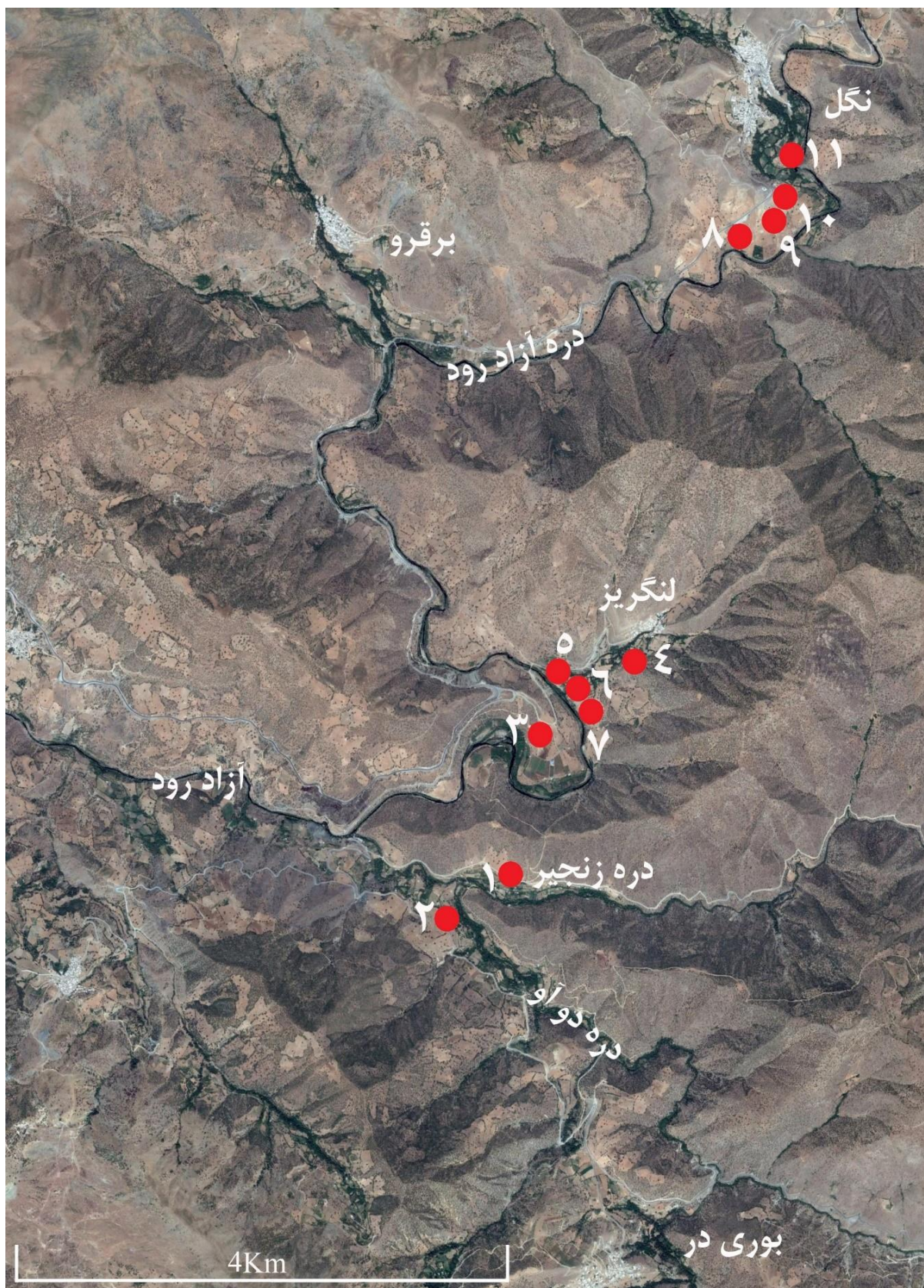
دره دارای امتداد شرق به غرب است و در بخش جنوبی آن رودخانه موسوم به چم دره زنجیر جاری است. بخش شرقی این دره که در میان ارتفاعات بلالوکان در جنوب و کوه لنگریز در شمال قرار گرفته از ابتدای دره تا آویهنگ ۱۶/۵ کیلومتر طول و بین ۶۰ تا ۲۵۰ متر عرض دارد. چشم‌انداز پیرامون این دره را ناهمواری‌ها و ارتفاعات فرا گرفته که همگی پوشیده از جنگل‌های بلوط است. این پوشش در بخش جنوبی دره زنجیر متراکم‌تر و در بخش شمالی آن تُنک تَر است. بر شیب جنوبی دامنه ارتفاعات کوه لنگریز، درست مشرف به تراس رودخانه سیروان پراکندگی محدودی از قطعات سفال مشاهده می‌شود. بخش عمده‌ای از این محدوده که اکنون به عنوان باغ و زمین کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد به شکل چند تراس درآمده و از شیب عمومی آن کاسته شده و در عوض در بخش جنوبی کم و بیش به صورت پله پله مشاهده می‌شود. شیب کلی سطح محوطه حدود ۴۰ درصد و در امتداد شمال به جنوب است.

در این بررسی منظور ما از محوطه، پراکندگی مستقل و معناداری از بقایای فرهنگی است (Plog et al., 1978: 389; Hodder and Orton, 1976). معمولاً آنچه را که ما محوطه نامیده‌ایم در برگزیده بقایا و نشانه‌هایی از فعالیت انسان در گذشته است که در آن محل انجام شده است.

در بررسی محدوده طرح بلبر مکان‌های اندکی شناسائی شده است. این مکان‌ها یا محوطه‌ها در موقعیت‌های مختلف و فواصل گوناگون واقع شده و دارای میزان پراکندگی متفاوتی از مواد فرهنگی و دست ساخته‌ها هستند و احتمالاً دارای کارکردهای گوناگونی هم بوده‌اند. آثار شناسائی شده را می‌توان در قالب گورستان، تپه و محوطه‌های هموار با نهشته‌های اندک طبقه‌بندی کرد (شکل ۴ و جدول ۱).

محوطه دره زنجیر

این محوطه در امتداد شمالی دره طویل و باریکی قرار گرفته که روستای آویهنگ در شرق و روستاهای نی‌آباد، کرآباد و رزآب در امتداد غربی آن واقع شده‌اند.



شکل ۴: نقشه پراکندگی محوطه‌های شناسایی شده در دره رودخانه سیروان (آزاد رود) محدوده طرح بلبر (با اضافاتی برگرفته از گوگل ارث)

جدول ۱: محوطه‌های شناسایی شده در دره رودخانه سیروان (آزاد رود)

کد	نام محوطه	نوع محوطه	ابعاد	ارتفاع	طول جغرافیایی	عرض جغرافیایی	ارتفاع از سطح دریا	قدمت روستا	نام
۰۰۱	قبرستان دره زنجیر	محوطه	۴۰×۳۰	نیم متر	E ۶۳۷۱۷۴,۰۰	N ۳۸۹۹۵۱۲,۰۰	۱۲۶۲	اشکانی	بوریدر
۰۰۲	قوریشگ	محوطه	۴۰×۳۰	هموار	E ۶۳۶۴۲۳,۰۰	N ۳۸۹۹۱۸۶,۰۰	۱۲۷۰	اشکانی	بوریدر
۰۰۳	سووره وان	محوطه	۵۰×۳۰	هموار	E ۶۳۷۰۱۶,۰۰	N ۳۹۰۰۷۲۱,۰۰	۱۲۵۹	اشکانی	لنگریز
۰۰۴	حصیله گوره	محوطه	۵۰×۳۰	هموار	E ۶۳۷۵۴۵,۰۰	N ۳۹۰۱۲۰۹,۰۰	۱۲۹۴	اشکانی	لنگریز
۰۰۵	ده کهنه ۱	گورستان	۱۰۰×۸۰	هموار	E ۶۳۷۱۷۹,۰۰	۳۹۰۱۱۹۹,۰۰ N	۱۲۴۹	اشکانی	لنگریز
۰۰۶	ده کهنه ۲	محوطه	۶۰×۷۰	نیم متر	E ۶۳۷۳۰۴,۰۰	N ۳۹۰۱۰۲۶,۰۰	۱۲۴۰	اشکانی	لنگریز
۰۰۷	قبرستان لنگریز	گورستان	۴۰×۱۰۰	نیم متر	E ۶۳۷۴۵۳,۰۰	N ۳۹۰۰۸۶۶,۰۰	۱۲۴۹	اسلامی متاخر	لنگریز
۰۰۸	گرویش کان ۱	محوطه	۲۰×۲۰	هموار	E ۶۳۸۳۸۹,۰۰	N ۳۹۰۴۸۲۳,۰۰	۱۳۲۵	اشکانی	نگل
۰۰۹	گرویش کان ۲	محوطه	۷۰×۶۰	هموار	E ۶۳۸۷۹۷,۰۰	N ۳۹۰۵۱۲۸,۰۰	۱۳۴۶	اشکانی	نگل
۰۱۰	قبرستان گرویش کان	گورستان	۵۰×۲۰	نیم متر	E ۶۳۸۷۲۸,۰۰	N ۳۹۰۵۱۶۰,۰۰	۱۳۵۱	اسلامی متاخر	نگل
۰۱۱	قلاگه گومه رش	تیپه	۴۵×۷۵	۵ متر	E ۶۳۸۸۳۲,۰۰	N ۳۹۰۵۶۴۳,۰۰	۱۳۱۹	قرون ۴ تا ۶	نگل

محوطه قوریشگ

محوطه موسوم به قوریشگ در چشم‌اندازی کوهستانی، در شیب دامنه‌های جنوبی دره دوآو و بر روی تراس قدیمی مشرف به رودخانه، در جانب شرقی دره اصلی رودخانه سیروان واقع شده و محیط پیرامون آن را جنگل‌های بلوط فرا گرفته است. محوطه قوریشگ چندان بزرگ نیست و ظاهراً در راستای غرب به شرق گسترده بوده و بر بستری نسبتاً هموار با شیب عمومی جنوب به شمال قرار گرفته است. سطح محوطه اکنون به عنوان زمین کشاورزی و باغ مورد استفاده قرار می‌گیرد. تسطیح، خاکبرداری، و فعالیت‌هایی نظیر کشاورزی و باغداری باعث گردیده که در حال حاضر عرصه و محدوده واقعی محوطه برای ما به خوبی مشخص نباشد و بقایای استقرار انسان در این مکان را تنها بتوان از روی مواد فرهنگی سطحی، یعنی شماری قطعه سفال پراکنده در سطح تشخیص داد. بر اساس این پراکندگی شاید بتوان محدوده‌ای به ابعاد ۳۰×۴۰ متر در امتداد شرق به غرب را برای گستره این محوطه در نظر گرفت.

طی بررسی سطحی محوطه قوریشگ، ۱۰ قطعه سفال که همگی متعلق به بدنه هستند، به دست آمد. این قطعات تقریباً مجموعه‌ای همگن را تشکیل می‌دهد و شامل سفال‌هایی با خمیره نخودی هستند. آمیزه این قطعات عمدتاً شامل شن‌ریزه به همراه کاه و در یک قطعه به همراه خرده سفال است. قطعات به دست آمده فاقد پوشش‌اند، و به جز سه قطعه از آنها، کیفیت پخت سایر نمونه‌ها کافی است. این قطعات همگی دست سازند و از نظر کیفیت ساخت در رده سفال‌های زمخت و تا حدودی متوسط قرار می‌گیرند. با توجه به فقدان نمونه‌های شاخص نمی‌توان تاریخ نسبی دقیقی را برای این نمونه‌ها پیشنهاد کرد، اما بر اساس ویژگی‌های کلی و مشابهت با سفال اشکانی سایر محوطه‌های دره با

یافته‌های بررسی در این محوطه، بیشتر پیرامون کانال آب اراضی پایین دست جاده خاکی به دست آمده این قطعات قسمت‌های مختلف مربوط به یکی دو خمیره بزرگ سفالی است که بخشی از یکی از آنها در برش ایجاد شده توسط کانال آب نمایان است. در سطح سایر قسمت‌ها نیز به طور بسیار پراکنده نمونه‌های از سفال‌های ساده مشاهده می‌شود. مجموعه یافته‌های سفالی جمع‌آوری شده از سطح محوطه را ۹ قطعه سفال شامل ۲ قطعه لبه، ۶ قطعه بدنه و ۱ قطعه دسته تشکیل داده است. خمیره یکی از این قطعات به رنگ خاکستری، یک قطعه قهوه‌ای و سایر نمونه‌ها نخودی تا نخودی متمایل به قهوه‌ای است. آمیزه این قطعات شن‌ریزه و خرده سفال بوده و همچنین قطعات، اغلب پوشش گلی رقیقی به رنگ خمیره، دارند. بررسی وضعیت سطح و درون قطعات نشان می‌دهد که همه این قطعات با دست فرم داده شده و همگی در کوره‌ای با حرارت مناسب پخته شده‌اند. بدنه خمیره‌ها اغلب با باندهای افزوده‌ای به شکل کاملاً برجسته تزئین شده است. از این قطعات یک نمونه دارای تزئینات برجسته افقی و چهار قطعه دارای تزئینات فشاری توام (طنابی) است. حداقل ۶ قطعه از این قطعات متعلق به بدنه و لبه خمیره است (شکل ۵). نمونه‌های بسیار مشابه با این سفال‌ها در گستره وسیعی از شمال غرب و غرب ایران از اردبیل گرفته تا کرمانشاه شناسایی و گزارش شده است. به عنوان مثال نمونه‌های قابل مقایسه با این ظروف از قلعه یزدگرد (Keall and Keall, 1982)، گورستان پارتی تاق بستان (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۷)، گورستان معبد آناهیتا کنگاور (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶)، گرمی مغان (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۷، ۱۳۷۷) و گورستان‌های خمیره‌ای پیرامون دریاچه زریبار در مریوان (محمدی‌فر و صراف، ۱۳۸۳؛ محمدی‌فر و هژبری نوبری، ۱۳۸۳) و بسیاری دیگر از محوطه‌های دوره اشکانی غرب ایران به دست آمده است.

احتمال می‌توان این نمونه‌ها را به دوره اشکانی منتسب نمود.

سوره وان

محوطه معروف به سوره وان در شیب جنوبی دامنه شمالی دره رودخانه سیروان در بخش عریض تر دره نگل-نی آباد و در چشم اندازی کوهستانی و ناهموار واقع شده است. سوره وان محوطه‌ای با پراکندگی قطعات سفال به شمار می‌رود که در امتداد شمال غربی-جنوب شرقی گسترده شده و ۵۰ متر طول و ۳۰ متر عرض دارد. سطح محوطه فاقد برجستگی است و ارتفاع خاصی که حاصل از وجود نهشته‌های ضخیم باستانی در این محل باشد، وجود ندارد. پراکندگی یافته‌های سفالی در سطح محوطه نسبتاً متوسط است و اغلب قطعات در نیمه شرقی محوطه گردآوری شده‌اند. از بررسی سطحی محوطه ۱۱ قطعه سفال به دست آمد که شامل دو لبه، شش بدنه، دو بدنه همراه با دسته و یک قطعه مربوط به کف است (شکل ۵). از نظر رنگ خمیره دو قطعه دارای خمیره‌ای به رنگ خاکستری، دو قطعه دارای خمیره نخودی مایل به نارنجی و ۷ قطعه دیگر دارای خمیره نارنجی است. آمیزه این قطعات اغلب شن‌ریزه و تعدادی نیز خرده سفال است. این قطعات همگی دست‌سازند، در حرارت کافی پخته شده‌اند و از نظر کیفیت ساخت خمیره در رده سفال‌های متوسط قرار می‌گیرند. علاوه بر اینها تنها یک قطعه با کیفیت ساخت زمخت در میان این مجموعه دیده می‌شود. دسته‌های مکشوفه از نوع دسته‌های عمودی چسبیده به لبه هستند. بر اساس نمونه‌های شاخص فرم‌هایی چون کاسه و خمره در میان این قطعات قابل تشخیص است. وجود قطعات متعلق به بدنه خمره‌های بزرگ در بخش شمال شرقی محوطه قابل توجه است. بر اساس فرم و ویژگی‌های فناورانه، این یافته‌ها حاکی از استقرار دوره اشکانی در این محل است.

حصیله گوره

در میان ناهموری‌های جنوب غرب روستای لنگریز و در شیب غربی برجستگی‌های طبیعی که با شیب نچندان اندکی به رودخانه فصلی غرب روستا محدود می‌گردد، محوطه‌ای واقع گردیده که حصیله گوره خوانده می‌شود. محوطه دارای وسعتی در حدود ۵۰×۳۰ متر است که در جهت جنوب شرق به شمال غرب گسترده شده است. سطح محوطه شیبی در حدود ۱۵ درصد دارد و از هر سو به دامنه و پایین دست ناهمواری‌های پیرامون روستا محدود می‌گردد. محوطه از جنوب غرب به یک مسیل منتهی می‌شود، اما از بخش شرقی به ناهموارها و ارتفاعات محدود است. با این حال برجستگی که بتواند از میزان احتمالی نهشته‌های فرهنگی محوطه اطلاعاتی در اختیار قرار دهد در محوطه وجود ندارد و اکنون سطح محوطه صاف و هموار است. با توجه به انجام فعالیت‌های کشاورزی در سطح محوطه می‌توان دریافت اگر این محوطه به احتمال، در گذشته دارای برجستگی اندکی بوده، به مرور و طی فعالیت‌های سالانه کشاورزان تسطیح شده است.

مجموعه یافته‌های سفالی جمع‌آوری شده از سطح محوطه حصیله گوره را ۱۹ قطعه سفال، شامل ۱۰ قطعه لبه، ۶ قطعه بدنه، ۲ قطعه دسته و ۱ قطعه کف تشکیل می‌دهد (شکل ۵). از میان مجموعه گردآوری شده، ۳ قطعه دارای خمیره خاکستری رنگ هستند و مابقی خمیره نخودی رنگ دارند. آمیزه این قطعات عمدتاً شن‌ریزه بوده و در چند قطعه از آنها ذرات کاه و در چند قطعه خرده سفال قابل مشاهده است. از این قطعات تنها ۴ نمونه دارای پوشش گلی است و سایر قطعات فاقد پوشش‌اند. یکی از این قطعات دارای پوشش گلی غلیظ به رنگ نخودی روشن در سطح بیرونی و درونی است. یک قطعه دیگر دارای پوشش گلی رقیق به رنگ نارنجی

تعدادی دارای پوشش گلی رقیق به رنگ خمیره هستند. آمیزه این قطعات اغلب معدنی و تعداد اندکی نیز مواد معدنی به همراه گاه است. قطعات با آمیزه معدنی بیشتر شن‌ریزه و خرده سفال است. تمامی قطعات دست‌ساز هستند و از نظر کیفیت ساخت خمیره در دسته سفال‌های متوسط و در مواردی متمایل به زمخت قرار می‌گیرند. فرم‌هایی چون کاسه و خمیره کوچک در میان این قطعات قابل تشخیص است. کاوش‌های فصل بعد نشان داد که ده کهنه ۱ بقایای گورستانی از دوره اشکانی را در خود جای داده است.

ده کهنه ۲

در ۱۰۰ متری جنوب‌غربی محوطه ده کهنه ۱ و در سمت دیگر رودخانه فصلی لنگریز، محوطه دیگری وجود دارد که ما آن را ده کهنه ۲ نامیده‌ایم. این محوطه شکلی تقریباً بیضوی دارد که قطر بزرگ‌تر آن ۷۰ و قطر کوچک‌تر آن ۶۰ متر است.

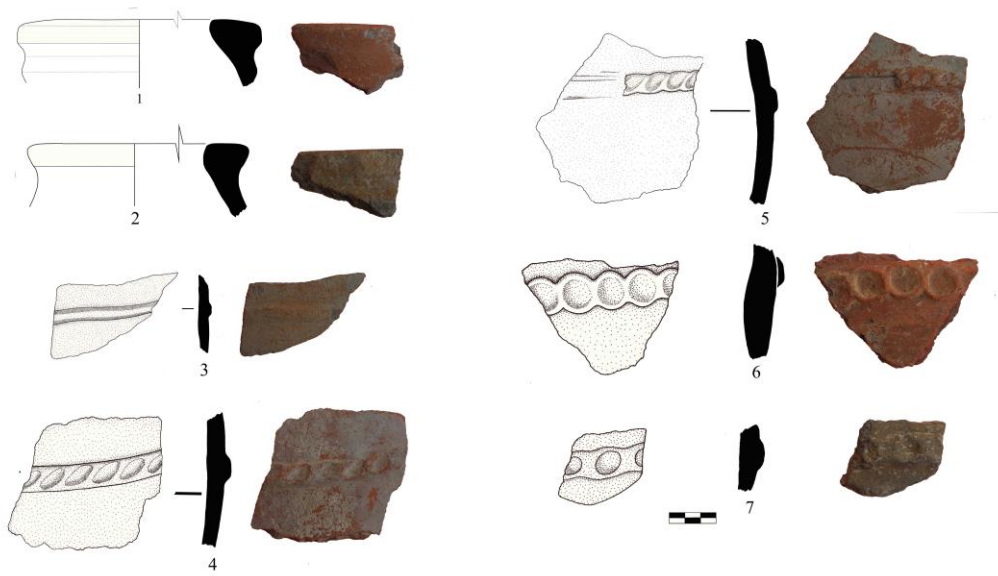
سطح محوطه اکنون مملو از قطعات لاشه‌سنگ‌های کوچک است که کشاورزان در یکی دو محل آنها را دپو کرده‌اند. در لابه‌لای این سنگ‌های دپو شده قطعات نسبتاً زیادی سفال و به ویژه قطعات متعلق به خمیره قابل مشاهده است. مجموعه یافته‌های سفالی جمع‌آوری شده از سطح محوطه ده کهنه ۲ را تعداد ۸ قطعه سفال شامل ۴ قطعه لبه و ۴ قطعه بدنه تشکیل می‌دهد. از این میان دو قطعه دارای خمیره نارنجی و سایر قطعات دارای خمیره-ای به رنگ نخودی هستند. آمیزه سه قطعه خرده سفال و پنج قطعه دیگر شن‌ریزه است. قطعات گردآوری شده متعلق به بخش‌هایی از ظروف دست‌ساز بوده و از نظر کیفیت ساخت خمیره اغلب در رده ظروف زمخت قرار می‌گیرند. با این حال دو قطعه از سفال‌ها کیفیت بهتری دارند و می‌توان آنها را در رده سفال‌های متوسط طبقه-بندی کرد.

بر سطح درونی و دو قطعه نیز پوشش گلی رقیق به رنگ خمیره بر سطح بیرونی هستند. در این مجموعه تنها یک نمونه چرخ‌ساز دیده می‌شود و سایر قطعات دست‌سازند. با توجه به رنگ مغز سفال‌ها، ظاهراً حرارت کوره برای پخت همه ظروف کافی بوده است. قطعات به دست آمده اغلب ساده و فاقد تزئین هستند، اما به طور کلی ۵ نمونه تزئین‌کننده افقی (شانه‌ای) و تزئینات افزوده به شکل برجسته دیده می‌شود. بر اساس فرم لبه‌ها ظروفی چون کاسه، خمیره کوچک، دیگچه و سبو در میان این قطعات قابل تشخیص است. مجموع این مشخصات نشان می‌دهد که محوطه حصیله گوره می‌تواند بقایای استقرار از دوره اشکانی باشد.

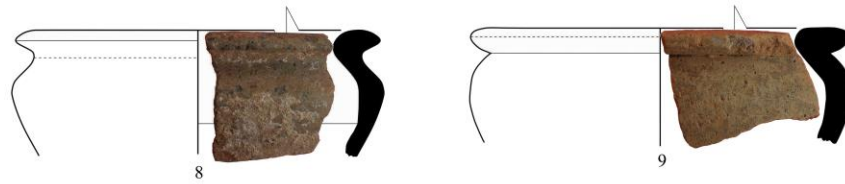
ده کهنه ۱

در بخش جنوبی ارتفاعات و ناهمواری‌های بخش غربی دره نگل - نی‌آباد و در کرانه غربی رودخانه سیروان بر شیب جنوبی بستر طبیعی تپه‌های فرسایش یافته غرب روستای لنگریز محوطه‌ای واقع گردیده که اهالی آن را ده کهنه می‌خوانند. ده کهنه بر دامنه آفتاب‌گیر ارتفاعات واقع شده و در محدوده جنوب جاده خاکی روستا آغاز و تا کرانه رودخانه امتداد می‌یابد. این محوطه در امتداد شمال شرق به جنوب غرب گسترده شده و بر اساس یافته‌های بررسی به نظر می‌رسد که ۱۰۰ متر طول و ۸۰ متر عرض دارد. سطح بخش‌های عمده‌ای از محوطه اکنون پوشیده از درخت است و در بخش‌های مختلف آن باغداری و کاشت توت‌فرنگی صورت می‌گیرد.

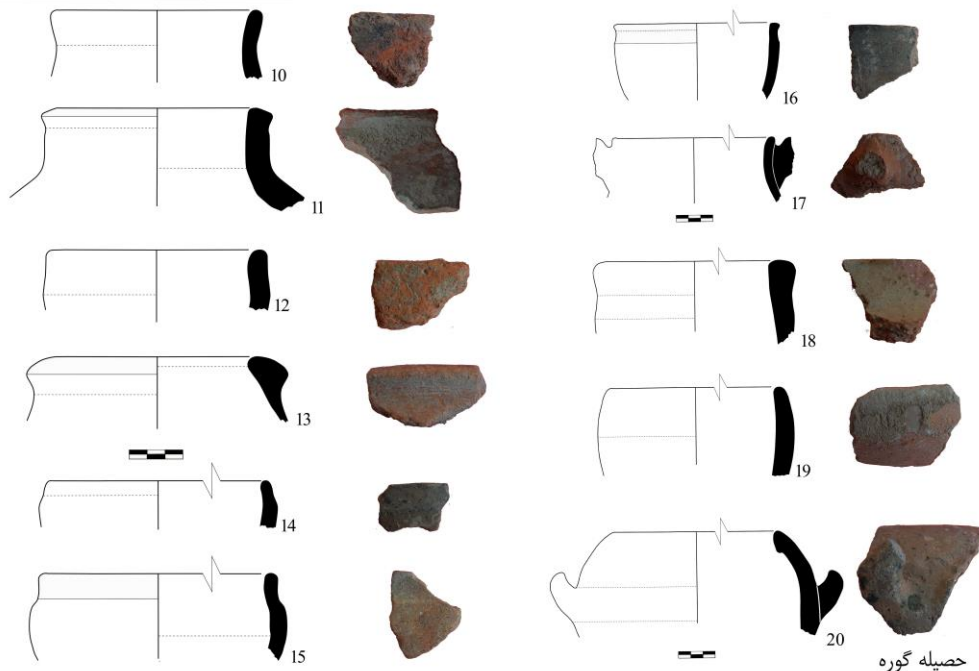
مجموعه یافته‌های سفالی جمع‌آوری شده از سطح محوطه ده کهنه ۱ را ۱۷ قطعه سفال شامل ۱۰ قطعه لبه، ۴ قطعه بدنه و ۳ قطعه متعلق به دسته تشکیل داده است (شکل ۶). این قطعات خمیره‌ای به رنگ نخودی، نخودی متمایل به قهوه‌ای و نخودی متمایل به نارنجی دارند. این قطعات عمدتاً فاقد پوشش‌اند، اما در میان آنها



دره زنجیر

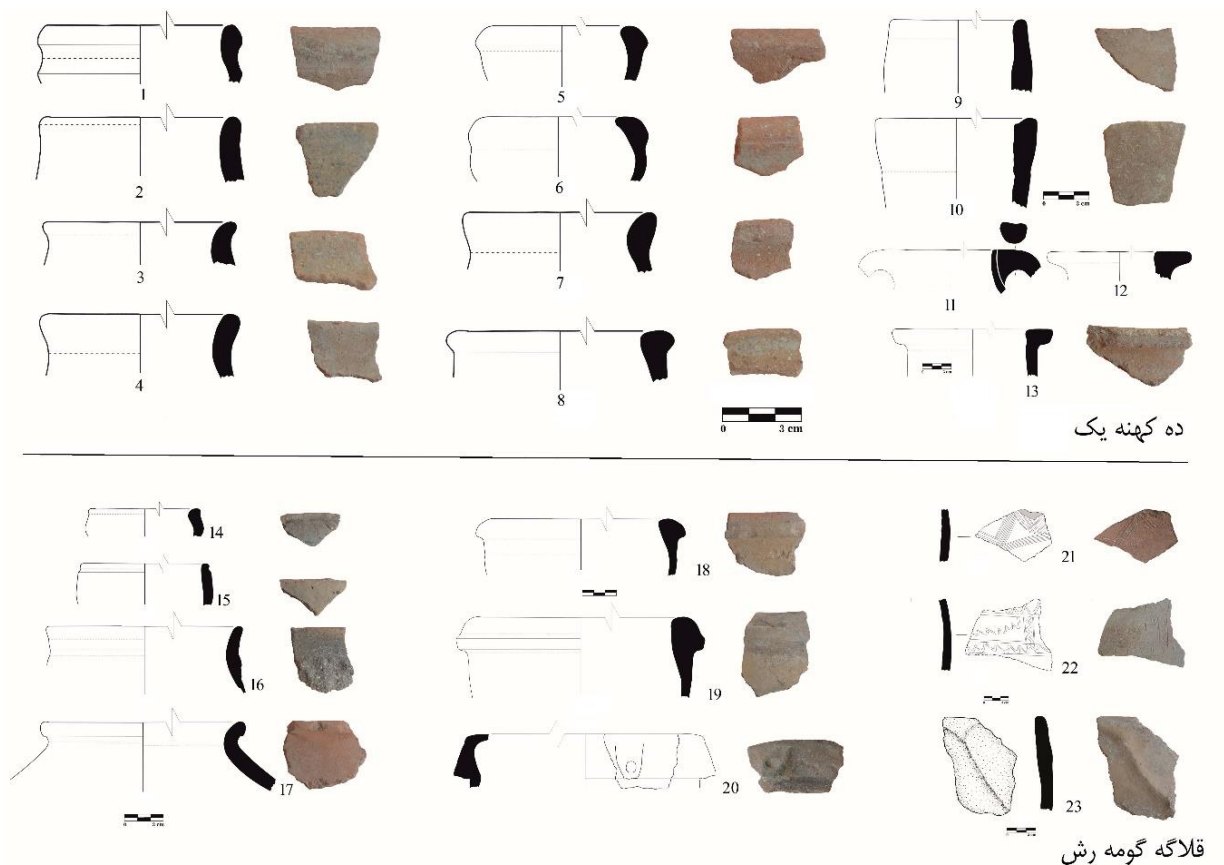


سوره وان



حصیله گوره

شکل ۵: طرح و تصویر قطعات سفال شاخص محوطه‌های دره زنجیر، سوره وان و حصیله گوره (طرح‌ها از ناصر امینی خواه)



شکل ۶: نمونه‌هایی از سفال‌های سطحی محوطه ده کهنه ۱ و قلاگه گومه رش (طرح‌ها از ناصر امینی‌خواه)

یک‌دست بودن مغر و خمیره سفال‌ها به خوبی نشان می‌دهد که همه قطعات در حرارت کافی پخته شده‌اند. اغلب قطعات فاقد تزیین هستند و تنها بر روی یک قطعه تزیینات برجسته وجود دارد. فرم‌هایی چون خمره و کاسه در میان این مجموعه قابل تشخیص است. به نظر می‌رسد با توجه به تشابهات کلی میان این قطعات و سفال‌های دوره اشکانی منطقه غرب ایران، این محوطه نیز دربردارنده بقایایی از استقرار دوره اشکانی باشد.

زیارتگه لنگریز

در شیب دامنه‌های غربی ارتفاعات واقع در شرق دره نگل-نی‌آباد و در محدوده عریض‌ترین بخش دره مذکور در محدوده ۸۲۵ متری جنوب غرب روستای لنگریز و ۵۵ متری کرانه غربی رودخانه سیروان گورستانی شناسائی و مستندنگاری شد که در میان اهالی

به زیارتگه لنگریز معروف است. پیرامون گورستان را اراضی کشاورزی در بر گرفته و بر سطح آن شماری درخت روئیده است. گورستان دارای دو بخش قدیمی و جدید است. شروع استفاده مجدد از گورستان به استناد سنگ قبور سال ۱۳۸۹ هجری شمسی است و این بخش جدید که شامل ده گور است، در قسمت شمالی گورستان واقع شده است.

در فاصله حدود ۲۰ متری جنوب این گورستان و در زیر درختان بخش جنوبی، گورهایی با دو سنگ عمودی ساده و کوچک قابل مشاهده است که به نظر می‌رسد بخش قدیمی گورستان روستا باشد. گورهایی قدیمی با استفاده از لاشه‌سنگ و تخته‌سنگ‌های ورقه‌ای به صورت صندوقی ساخته شده و همگی در امتداد شرق به غرب قرار گرفته‌اند. این گورها فاقد نوشته و تاریخ هستند از این رو به درستی نمی‌توان در مورد قدمت آنها

دارد که اکنون به واسطه وجود ماشین آلات کشاورزی شخم خورده و به زیر کشت می‌رود. این محدوده در واقع بخش باریک و کم عرض دره مذکور است. اهالی این محدوده و پیرامونش را به دلیل وجود شماری لانه خرگوش در گذشته، به زبان کُردی کرویش‌کان می‌خوانند.

محوطه دارای امتداد شرقی-غربی است و بر سطح آن پراکندگی بسیار محدودی از قطعات سفال مشاهده می‌شود. یافته‌های سفالی در محدوده کوچکی گردآوری شدند و از این رو به نظر می‌رسد که محوطه بیش از ۲۰×۲۰ متر وسعت نداشته است. به طور کلی برای آگاهی از میزان و وسعت نهشته‌های باستانی در این محل نمی‌توان بدون انجام گمانه‌زنی بحث کرد.

از بررسی محوطه ۶ قطعه سفال که همگی متعلق به بدنه می‌باشد، بدست آمد. این قطعات تقریباً مجموعه‌ای همگن را تشکیل می‌دهد که دارای خمیره نخودی تا نخودی مایل به قرمز هستند. همگی آمیزه خرده سفال به همراه اندکی کاه دارند، و عمدتاً در سطح بیرونی و تعدادی بر سطح درونی، پوشش گلی رقیق دارند. این قطعات همگی دست ساز بوده و از نظر کیفیت ساخت خمیره در دسته سفال‌های نسبتاً زمخت قرار می‌گیرند. پخت این قطعات کافی است و همگی ساده و فاقد تزیین‌اند. با توجه به اینکه این قطعات مربوط به بدنه ظروف هستند تشخیص فرم ظرف و همچنین قدمت آنها امکان‌پذیر نیست.

محوطه کرویش‌کان ۲

این محوطه بر دامنه جنوبی تپه ماهورها و ناهمواری‌های چین خورده و کوهستانی در بخش مرتفع‌تر دره نگل-نی آباد واقع شده است. کرویش‌کان ۲ بر سطح اراضی کم و بیش هموار حاشیه شمالی دره واقع شده و از هر سو با شیب اندکی به امتداد اراضی این محدوده منتهی

بحث کرد. تنها یک گور که به نظر می‌رسد به بیش از یک نفر تعلق دارد و احتمالاً گوری خانوادگی است، ساختاری متفاوت دارد. این گور به شکل مستطیل است و دیواره‌های آن به صورت سنگ چین ساخته شده است و داخل مستطیل با یک دیواره سنگ چین به دو قسمت تقسیم شده است. اغلب گورها و سنگ‌های گور از بین رفته و تنها ۶ تا ۷ نمونه قابل شناسایی هستند (شکل ۷). در واقع می‌توان گورستان را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کرده که بخش شمالی، قسمت جدید گورستان و بخش جنوبی، قسمت قدیمی گورستان است.

به غیر از ساختارهای معماری قبور به عنوان بقایای غیر منقول، مواد فرهنگی دیگری در سطح محوطه گورستان و پیرامون آن کشف نشد. در واقع به نظر می‌رسد گورستان بر بستری بکر شکل گرفته و از زمان شکل‌گیری گورستان نیز مواد فرهنگی در سطح قابل بر جای نمانده است.



شکل ۷: نمونه‌هایی از قبور سنگ چین گورستان لنگریز

(عکس از سجاد علی‌بیگی)

محوطه کرویش‌کان ۱

بر دامنه جنوبی تپه ماهورها و ناهمواری‌های واقع در ۸۱۰ متری جنوب غربی روستای نگل، محوطه کرویش‌کان ۱ شناسایی گردید. محوطه در ناحیه‌ای چین خورده و کوهستانی در بخش مرتفع‌تر دره نگل-نی آباد واقع شده است. این ناحیه، محیطی ناهموار با شیب نچندان زیاد

می‌توان با احتیاط تاریخ دوره اشکانی را برای این محوطه پیشنهاد کرد.

گورستان کرویش کان (زیارتان)

بر سطح زمین بایری در دامنه ناهمواری‌های جانب شمالی رودخانه سیروان که بخش شرقی محدوده دره نگل نی-آباد را تشکیل می‌دهد گورستانی شکل گرفته که به گورستان کرویش کان معروف شده است. قبرستان بر دامنه جنوبی تپه ماهورها و ناهمواری‌های جنوب غربی روستای نگل قرار گرفته و بر سطح آن چندین قبر مشاهده می‌شود. این مکان در میان اهالی به زیارتان یا زیارتگه به معنای گورستان معروف است. محوطه گورستان ۵۰ متر طول و ۲۰ متر عرض دارد و شماری گور سنگ‌چین بر سطح آن دیده می‌شود. در حال حاضر به دلیل متروک شدن گورستان، قبور رفته‌رفته در حال مدفون شدن هستند و سطح آنها را خاک فرا گرفته است. در سطح گورستان حدود ۶۰ قبر وجود دارد و شماری دیگر احتمالاً به مرور از بین رفته‌اند. این وضعیت به واسطه عبور یک راه خاکی در جانب جنوبی و شرقی و از طرفی به واسطه شخم زمین‌های کشاورزی حاصل شده است. سطح گورهای این گورستان با استفاده از لاشه سنگ‌های ورقه‌ای از جنس شیست و در مواردی قلوه سنگ‌های رودخانه‌ای مشخص شده است. گورها در امتداد شرق به غرب ایجاد شده و سطح آنها به دو شکل دیده می‌شود. قبور معمولاً ۱۴۰ تا ۱۶۰ سانتیمتر طول و حدود ۶۰ سانتیمتر عرض دارند. آنگونه که پیداست گورها به صورت صندوقی شکل ساخته شده و همگی در جهت قبله قرار گرفته‌اند. برای ساخت معماری قبور از لاشه سنگ‌های ورقه‌ای استفاده شده که معمولاً حدود ۱۵ سانتیمتر ضخامت دارند. معمولاً در بالا و پائین قبور یک یا دو سنگ به صورت عمودی قرار داده شده است. به گفته اهالی رسم بر این بوده که بر سطح قبور

می‌شود. محوطه دارای امتداد شرق به غرب با سطحی فاقد پستی و بلندی قابل توجه است که بر سطح آن شمار اندکی قطعات سفال مشاهده می‌شود. یافته‌های سفالی به صورت پراکنده در محدوده بزرگی گردآوری شدند اما تمرکز یافته‌های بیشتر در بخش شرقی محوطه بود. بر اساس پراکندگی یافته‌های سطحی محوطه احتمالاً در محدوده‌ای به ابعاد ۷۰×۶۰ متر گسترده بوده است.

تعداد ۹ قطعه سفال از سطح محوطه گردآوری شده است. این قطعات دربرگیرنده یک قطعه لبه و ۸ قطعه بدنه است. دو قطعه از این یافته‌ها دارای خمیره نخودی روشن و ۷ قطعه دیگر دارای خمیره نخودی هستند. آمیزه سفال‌ها متنوع بوده و در یک قطعه ماسه بادی، در قطعه دیگر خرده سفال، در یک قطعه شن‌ریزه و در ۶ نمونه دیگر شن‌ریزه به همراه گاه بوده است. به نظر می‌رسد اغلب ظروف پرداخت نهایی نشده، به طوری که تنها بر سطح بیرونی سه قطعه پوشش گلی رقیق مشاهده می‌شود و سایر قطعات فاقد پوشش هستند. بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد که تنها یکی از قطعات با چرخ ساخته شده و سایر قطعات با دست فرم داده شده‌اند. با این حال یک دست بودن خمیره و مغز سفال‌ها نشان می‌دهد که حرارت کوره برای پخت سفال‌ها مناسب بوده و سفال‌ها در حرارت کافی پخته شده‌اند. سه نمونه تزئین شده در میان مجموعه دیده می‌شود. یکی از قطعات بدنه که متعلق به خمره است دارای تزئینات افزوده و فشاری توام (طنابی)، یک قطعه دیگر دارای تزئینات برجسته افقی است و یکی دیگر از قطعات منقوش دارای پوشش غلیظ تیره رنگ بر سطح بیرونی است. فرم قطعات به دلیل تعلق اغلب آنها به بدنه ظروف مشخص نیست. با این حال یکی از این قطعات بخشی از بدنه یک خمره بزرگ و قطعه دیگر بخشی از لبه یک کاسه را نشان می‌دهد. هر چند اغلب قطعات شاخص نیستند، اما با توجه به برخی نمونه‌ها

طی بررسی ۱۲ قطعه سفال شامل ۹ قطعه لبه، دو قطعه بدنه و یک قطعه بدنه به همراه دسته بدست آمد (شکل ۶). از این قطعات دو قطعه دارای خمیره به رنگ قهوه‌ای، یک قطعه به رنگ خاکستری و سایر قطعات به رنگ نخودی هستند. آمیزه دو قطعه از این قطعات خرده سفال و سایر نمونه‌ها شن‌ریزه است. یکی از قطعات دارای پوشش گلی غلیظ به رنگ قرمز بر سطح بیرونی، دو قطعه دارای پوشش گلی رقیق به رنگ قهوه‌ای بر سطح بیرونی، یک قطعه دارای پوشش گلی رقیق به رنگ نخودی بر سطح درونی، سه قطعه دارای پوشش گلی رقیق به رنگ نخودی بر سطح درونی و بیرونی و دو قطعه نیز تنها دارای پوشش گلی رقیق نخودی بر سطح بیرونی هستند. دو قطعه از سفال‌های مجموعه نیز فاقد هرگونه پوشش هستند.

یکی از این قطعات چرخ‌ساز و سایر نمونه‌ها دست‌سازند، همچنین حرارت برای پخت یکی از قطعات اندک بوده، اما سایر قطعات در حرارت کافی پخته شده‌اند. همگی قطعات از نظر کیفیت ساخت خمیره در دسته سفال‌های متوسط یا نسبتاً زمخت قرار دارد. در میان این قطعات فرم خمیره، دیگچه، کاسه و سبو قابل تشخیص است. به نظر می‌رسد که تپه قلاگه گومه رش بقایای استقراری از قرون ۴ تا ۶ هجری باشد. با این حال پوشش گیاهی بسیار زیاد پیرامون تپه و نهشته‌های استقرار دوره اسلامی ممکن است بقایای استقرار قدیمی‌تر در محوطه را پوشانده باشد. چرا که بعید نیست با توجه به ضخامت نهشته‌های باستانی در این مکان، بقایای قدیمی‌تری در این تپه وجود داشته باشد.

گمانه‌زنی در محوطه‌های در خطر

در فصل دوم به منظور ادامه پژوهش‌های باستان‌شناسی در این محدوده و درک کم‌وکیف آثار شناسایی شده در حوضه آبرگیر سد نی‌آباد، برنامه گمانه‌زنی در ۴ محوطه

مردان یک و بر سطح قبور زنان دو سنگ به صورت عمودی قرار می‌داده‌اند. بر سطح برخی دیگر از قبور، تجمعی از لاشه سنگ‌ها دیده می‌شود که محدوده گور را نشان می‌دهد. در سطح محوطه یافته‌های سفالی و مواد فرهنگی دیگری به دست نیامد. بر اساس شکل و نوع قبور و همسانی با سایر گورستان‌های منطقه، این گورستان را باید به دوره معاصر و قرون اخیر متعلق دانست.

قلاگه گومه رش

در کف دره طویلی که دارای امتداد شرق به غرب است و روستاهای رزب، کرآباد، نی‌آباد و نگل در امتداد و حاشیه آن واقع شده‌اند، تپه باستانی قلاگه گومه رش در محیطی کوهستانی شناسایی گردید. تپه در ۴۲۵ متری جنوب شرق روستای نگل و در ۴۵ متری کرانه غربی رودخانه سیروان بر روی تراس قدیمی‌تر رودخانه واقع شده است. قلاگه گومه رش تنها محوطه شناسایی شده در این محدوده است که به صورت تپه مشاهده می‌شود. قلاگه برجستگی نچندان بزرگی با ۷۵ متر طول و ۴۵ متر عرض بوده، که راس آن حدود ۵ متر از سطح اراضی پیرامون بلندتر است. تپه از جانب شرق با شیب زیادی به اراضی واقع در کرانه رودخانه و از سه سوی دیگر با شیب نسبتاً کمتری به اراضی پیرامون و باغات اطراف محدود می‌گردد. راس تپه به واسطه فعالیت‌های انسانی، دستکاری و تا حدودی تخریب شده است. ساخت و ساز بر سطح آن و سپس برچیدن آن و تبدیل سطح تپه به باغ، باعث شده که نهشته‌های لایه‌های جدیدتر تپه به شدت تخریب شده و اثری از آنها باقی نماند. به نظر می‌رسد تپه بستر طبیعی برجسته‌ای داشته و لایه‌های استقراری بر روی این برجستگی طبیعی در حاشیه رودخانه شکل گرفته‌اند. اگر چنین باشد نباید تمامی ارتفاع تپه را در دربردارنده نهشته‌های باستان‌شناختی دانست.

از برداشتن خاک سطحی بستر طبیعی محوطه آشکار گردید و در دو گمانه دیگر که یکی ۲×۲ و دیگری ۱/۵×۸ بود، بقایای باستان‌شناختی که عمدتاً شامل قطعات سفال بود آشکار گردید (شکل ۹). با توجه به ماهیت انباشت‌های کاوش شده، مشخص بود که محوطه به دلیل قرارگیری در شیب تند حاشیه دره، به مرور به شدت دچار فرسایش شده و بقایایی از لایه‌های برجا در محدوده گمانه‌های کاوش نشده، باقی نمانده است.

علاوه بر قطعات سفال، شی فلزی کوچکی به طول ۹۴ میلیمتر و ضخامت میان ۵-۶ میلیمتر نیز از کاوش گمانه C به دست آمد. ابتدا و انتهای این میله اندکی باریک‌تر است و می‌توان آن را یک درفش نامید. نمونه‌های زیادی از این نوع شی از دوره مس و سنگ تا دوره تاریخی از قفقاز و فلات مرکزی ایران گرفته تا منطقه زاگرس مرکزی به دست آمده است.

از ۱۱ محوطه شناسایی شده پیشین که در صورت ساخت و آبرگیری سد در خطر خواهند بود، به اجرا درآمد. این پژوهش‌ها مرداد و شهریور ماه ۱۳۹۹ به انجام رسید و نتایج گمانه‌زنی در ۳ محوطه، شواهدی از استقرارهای دوره اشکانی و در یک محوطه بقایای یک گورستان را در منطقه نشان داد که به دوره اشکانی تعلق دارد.

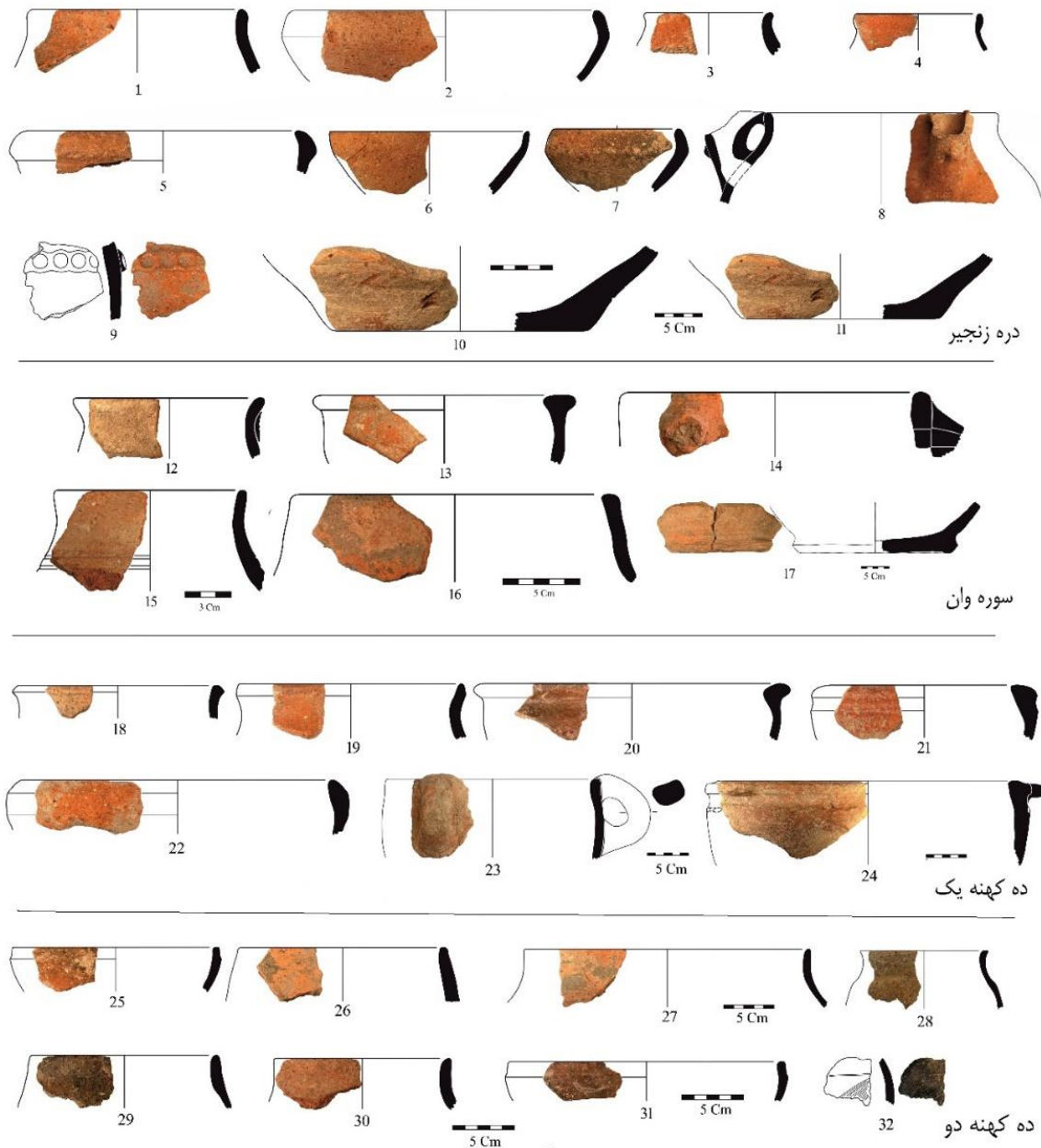
محوطه دره زنجیر

همانگونه که آمد این محوطه در شیب جنوبی دامنه ارتفاعات شمالی دره زنجیر و در تراس رودخانه موسوم به چم دره زنجیر شکل گرفته است. این مکان بقایای استقرار کوچکی است که بر سطح آن شمار اندکی قطعات سفال اشکانی به ویژه قطعات شکسته مربوط به خمره‌های بزرگ دیده می‌شد.

برای درک وضعیت محوطه ۴ گمانه در بخش‌های مختلف محوطه حفر شد (شکل ۸). در دو گمانه ۲×۲ پس



شکل ۸. گمانه‌های حفر شده در محوطه دره زنجیر (عکس از رضا عزیزی)



شکل ۹: یافته‌های سفالی محوطه دره زنجیر، سوره وان، ده کهنه ۱ و ده کهنه ۲ (طرح‌ها و تصاویر از معصومه بایزیدی)

این گمانه‌ها شامل بقایای معماری و پی سنگی و شواهد خمره‌های سفالی شکسته و معدود بقایای استخوان حیوانی است (شکل ۱۱). این محوطه استقرار بسیار کوچکی از دوره اشکانی بوده است. به استناد گمانه‌های حفر شده، میزان نهشته‌های باستان‌شناختی در این محوطه بیش از ۳۰ سانتیمتر نیست و محوطه احتمالاً وسعتی در حد و اندازه یک چهارم هکتار داشته است. با توجه به نهشته‌های اندک و مواد فرهنگی نچندان زیاد و متنوع، به

نتایج گمانه‌زنی در این مکان حاکی از این است که این محوطه تک دوره‌ای است و بر اساس بررسی و مطالعه سفال‌های محوطه این مکان در دوره اشکانی و احتمالاً به شکل فصلی مورد استفاده قرار گرفته است.

محوطه سوره وان

طی این فصل ۴ گمانه به ابعاد ۲×۲ متر در این محدوده حفر شد (شکل ۱۰). بقایای به دست آمده از کاوش در

و ۶۲ سانتیمتر عرض و خمره کوچک‌تر ۷۱ سانتیمتر طول و ۴۸ سانتیمتر عرض داشت. در میان این خمره بقایای تدفین یک شخص بالغ (مرد) آشکار گردید که به صورت درازکش و به شکل تاق باز قرار گرفته بود. سر و بالا تنه متوفی در خمره بزرگ‌تر و پاهای وی در خمره کوچک‌تر قرار داده شده بود. امتداد این تدفین تقریباً جنوب‌غربی - شمال‌شرقی بود، به طوری که سر در بخش جنوب‌غربی و رو به سوی جنوب قرار گرفته بود.

طول اسکلت در زمان کاوش ۱۵۳ سانتیمتر اندازه‌گیری شد، اما با توجه به تغییراتی که به دلیل حرکت استخوان‌های درون خمره صورت گرفته، به نظر می‌رسد که قد شخص از این مقدار بیشتر بوده است. هیچ گونه اشیائی همراه این تدفین دفن نشده بود، اما خاکبرداری درون لگن وی مشخص نمود که سرنیزه مفرغی کوچکی درون لگن وی جا مانده است (شکل ۱۷ و ۱۶).

نظر می‌رسد که استقرار دوره اشکانی در این محوطه فصلی بوده است.

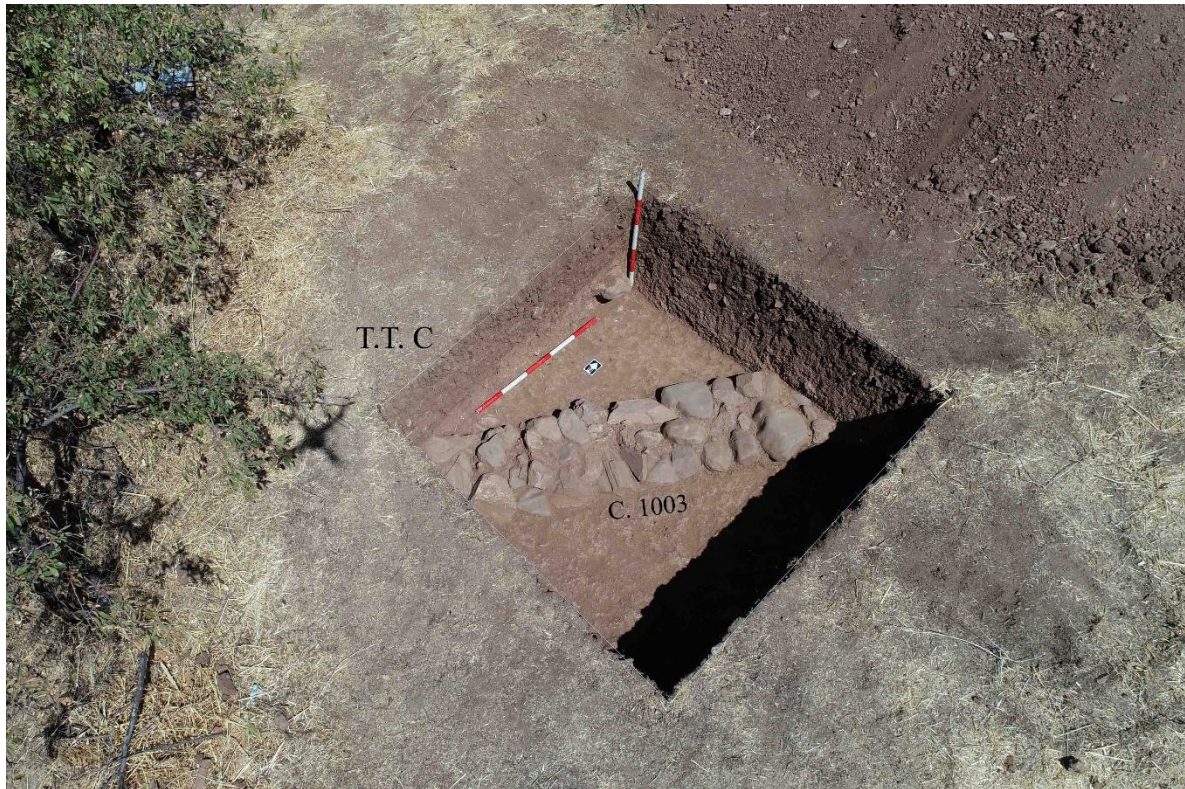
محوطه ده کهنه ۱

در این محوطه ۳ گمانه حفر و یک برش پاکسازی گردید (شکل ۱۲ و ۱۳). در دو مورد از گمانه‌ها تنها با مواد فرهنگی سطحی رو به رو شدیم و در زیر سطح بستر طبیعی محوطه آشکار شد و پاکسازی برش ایجاد شده توسط جاده که به گفته آهالی منجر به آشکار شدن گورهای خمره‌ای طی سال‌های گذشته شده بود، نتیجه‌ای در بر نداشت. با این حال در کاوش گمانه C در این محوطه دو تدفین متفاوت خمره‌ای و چاله‌ای ساده به دست آمد (شکل ۱۴).

گورخمره‌ای کاوش شده با استفاده از دو خمره بزرگ که دهانه آنها به سوی همدیگر قرار گرفته ایجاد شده است (شکل ۱۵ و ۱۶). خمره بزرگ‌تر ۹۸ سانتیمتر طول



شکل ۱۰: دور نمایی از محوطه سوره وان، دید از جنوب (عکس از رضا عزیززی)



شکل ۱۱: بقایای یک پی سنگی در گمانه C، محوطه سوره وان (عکس از رضا عزیزی)

تدفین‌های خمره‌ای متعددی در غرب ایران در تاق‌بستان کرمانشاه (کامبخش فرد، ۱۳۷۷، ۱۳۸۶)، معبد آناهیتا کنگاور (کامبخش فرد، ۱۳۷۷، ۱۳۸۶)، شیان اسلام‌آباد غرب (رضوانی، ۱۳۸۵)، بیستون (علی‌بیگی، ۱۳۸۹)، سنگ شیر همدان (آذرنوش، ۲۵۳۵؛ ۱۳۵۴) و همچنین، در همین نزدیکی گورستان‌هایی چون تپه ترخان آباد (بهنیا، ۱۳۹۵) و زردویان (معصومیان و دیگران، ۱۴۰۱) در مریوان مورد کاوش قرار گرفته است. بررسی‌ها در پیرامون دریاچه زریبار مریوان (محمدی‌فر و صراف، ۱۳۸۳) و همچنین منطقه سردشت (Salimi et al., 2021) نشان می‌دهد که ما با تدفین‌های خمره‌ای متعددی از دوره اشکانی در منطقه روبه‌رو هستیم و بر اساس یافته‌های کنونی، فراوانی این نوع تدفین نشان می‌دهد سنت تدفین خمره‌ای در غرب ایران به نسبت سایر نواحی ایران رایج‌تر بوده است.

این وضعیت نشان می‌داد که احتمالاً علت مرگ متوفی همین برخورد سرنیزه بوده است. این سرنیزه از مفرغ ساخته شده و مجموعاً ۱۱۴ میلی‌متر طول، ۳۰ میلیمتر عرض و ۵ میلیمتر ضخامت دارد. با اینکه لبه‌های سرنیزه به خوبی تیز و برنده است، اما نوک آن حالت نیم‌دایره‌ای دارد. پهن‌ترین بخش سرنیزه که انتهای آن است به دنباله‌ای به طول ۳۰، عرض ۱۱ و ضخامت ۴ میلیمتر منتهی می‌شود که سوراخی به قطر ۵ میلی‌متر در میان آن تعبیه شده است. به نظر می‌رسد، این حفره محلی برای اتصال به دسته توسط میخ یا پرچ بوده است. هر دو خمره مورد استفاده برای تدفین خمره‌های کارکرده و با آثار استفاده و دودزدگی بوده و نشان می‌دهد این دو خمره، از پیش برای تدفین ساخته نشده بودند، بلکه پیش‌تر در زندگی روزمره مورد استفاده قرار گرفته و بعدها بر حسب نیاز، از آن به عنوان خمره تدفین استفاده شده است.



شکل ۱۲: نمایی از محوطه ده کهنه ۱، دید از جنوب (عکس از رضا عزیزی)



شکل ۱۳: عکس هوایی عمود از محوطه ده کهنه ۱ (عکس از رضا عزیزی)

۱۴۰۱) گزارش شده است. حتی در یک مورد در سنگ شیر از چهار خمره برای قرار دادن اسکلت استفاده شده است (آذرنوش، ۱۳۵۴: ۵۲ و ۷۰، تصویر ۷). در صالح داود شوش نیز از دو خمره برای تدفین دوره اشکانی استفاده شده است (رهبر، ۱۳۹۰: ۲۹۵، تصویر ۸ و ۷).

استفاده از دو خمره برای تدفین خمره‌ای یعنی مشابه گور خمره شماره ۱ گورستان ده کهنه ۱، از محوطه موسوم به معبد آناهیتا کنگاور (کامبخش فرد، ۱۳۷۷: ۷۲، تصویر ۴۷؛ ۱۳۸۶: ۳۴، تصویر ۳۲؛ ۳۵، تصویر ۴؛ تصویر ۴۲: تصویر ۱۱)؛ گورستان سنگ شیر (آذرنوش، ۲۵۳۵: ۵۶، تصویر ۷) و گورستان زردویان (معصومیان و دیگران،



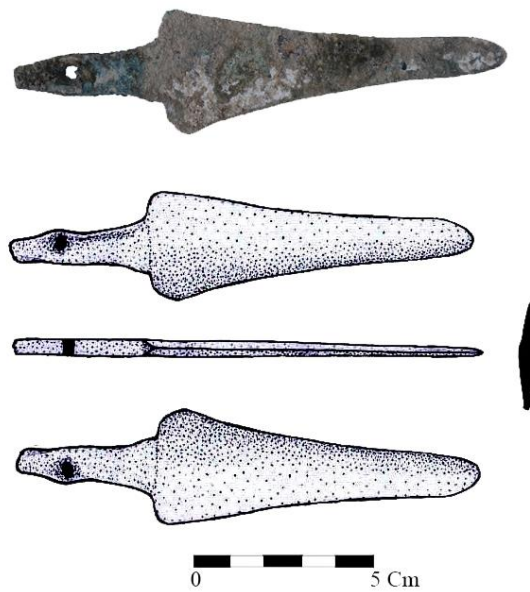
شکل ۱۴: نمایی از گمانه‌های ایجاد شده در محوطه ده کهنه ۱ و بقایای گورخمره‌ها و تدفین اشکانی در گمانه C (عکس از رضا عزیزی)



شکل ۱۵: محوطه ده کهنه ۱؛ بقایای گورخمره دوره اشکانی در گمانه C (عکس از سجاد علی‌بیگی)



شکل ۱۶: بقایای گور خمره، اسکلت و سرنیزه درون شکم متوفی (تصاویر از سجاد علی بیگی)



شکل ۱۷: سرنیزه مفرغی فرو رفته در شکم و لگن متوفی دفن شده در گور خمره شماره ۱ محوطه ده کهنه ۱

(طرح و عکس از ناصر امینی خواه)

مورب قرار گرفته بودند، پوشیده شده بود و تقریباً نیم متر پایین تر از آن، بقایای اسکلتی شناسایی گردید که در عمق ۱۱۴ سانتیمتری از سطح قرار گرفته بود (شکل ۱۸ و ۱۴).

نوع دیگری از تدفین که در ده کهنه ۱ مشخص شد، بقایای یک تدفین چاله‌ای است که در فاصله کمتر از یک متری جنوب گور خمره‌ای قرار داشت. روی قبر با لاشه‌سنگ‌های کشیده، نچندان ضخیمی که به شکل



شکل ۱۸: اسکلت تدفین شماره ۲ محوطه ده کهنه ۱ (عکس از سجاد علی‌بیگی)

باستان‌شناسی تا به امروز نشان نمی‌دهد که تدفین چاله‌ای ساده به طور گسترده در دوره اشکانی غرب ایران استفاده شده باشد. در مجموع با توجه به شکل تدفین و ظروف سفالی به دست آمده از این دو تدفین، می‌توان تدفین‌های شناسایی شده را مربوط به دوره اشکانی دانست. بررسی سطحی محوطه و اطلاعات محلی که از وجود سرنخ‌های بیشتری از تدفین‌های خمره‌ای در اراضی کشاورزی پیرامون به دست آمده، نشان می‌دهد که با گورستان بزرگی از دوره اشکانی روبه‌رو هستیم، که از بالا دست جاده ارتباطی روستا آغاز و تا نزدیکی آبکندی که از سوی روستا به سمت رودخانه سیروان در جریان است، ادامه دارد. اگر این برداشت‌ها و مشاهدات درست باشد گورستان ده کهنه ۱، احتمالاً ۲۰۰×۱۰۰ متر، یعنی حدود دو هکتار مساحت دارد.

اسکلت در راستای شمال به جنوب و به صورت تاق باز دفن شده بود و تنها یک کاسه سفالی که روی سینه وی قرار داده شده بود در این گور به دست آمد. اسکلت ۱۶۱ سانتیمتر طول داشت و به دلیل قرارگیری بدون واسطه در میان خاک، نسبتاً فرسوده بود و در وضعیت مناسبی قرار نداشت. به نظر می‌رسد که این گور به یک دختر نوجوان تعلق داشته است. در غرب ایران تدفین‌های کمی به این شکل کاوش شده است، به عنوان نمونه در تپه جهودها در کنگاور برخی از قبور به صورت چاله‌ای ساده بودند که در بستر محوطه حفر شده‌اند (کامبخش فرد، ۱۳۸۶: ۲۹).

در گورستان سنگ شیر نیز شماری گور چاله‌ای ساده به دست آمده که تدفین در آن به صورت درازکش انجام شده است (آذرنوش، ۲۵۳۵: ۴۱-۴۰). اما یافته‌های

محوطه ده کهنه ۲

پنج گمانه با ابعاد ۲×۲ متر در این محوطه کاوش شد. وضعیت بخش‌های کاوش شده نشان می‌دهد که محوطه ده کهنه ۱ نهشته‌ها و بقایای باستان‌شناختی اندکی دارد. ساختارهای معماری این محوطه متشکل از شماری پی سنگی کوچک و کم ارتفاع است که با استفاده از لاشه‌سنگ و ملات گل ایجاد شده و به نظر می‌رسد بر روی این پی‌های سنگی ساختارهای خشتی یا چینه‌ای برپا بوده است. بر اساس یافته‌های گمانه‌زنی به ویژه کیفیت و ماهیت بقایای کاوش شده ده کهنه ۲ بقایای استقرار فصلی از دوره اشکانی است که به واسطه قطعات سفال تاریخگذاری شده است. در حال حاضر مشخص نیست که آیا ارتباطی میان محوطه ده کهنه ۲ و گورستان مکشوفه از ده کهنه ۱ وجود دارد یا خیر. اما همزمانی میان این دو محوطه و نزدیکی آنها به همدیگر احتمال این ارتباط را تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری

منطقه مورد مطالعه متشکل از چند دره باریک و طویل است که ارتباطات جغرافیایی منطقه از طریق راه‌های واقع در امتداد آنها امکان‌پذیر شده است. این نواحی با کوهستان‌های کم و بیش مرتفع محصورند و از نظر زمین‌ریخت‌شناسی در محیطی فعال واقع شده‌اند. آنگونه که پیداست عواملی چون فرسایش و در موارد اندکی رسوب‌گذاری در منطقه فعال است و می‌توان این موضوع را در وضعیت توپوگرافی منطقه و به ویژه دامنه‌ها و ارتفاعات فرسایش یافته مشاهده کرد. تراس‌های اندک، زمین‌های مسطح ناچیز و پستی و بلندی‌های فراوان پیرامون رودخانه‌ها و دره‌ها نشان می‌دهد که میزان رسوب‌گذاری در اغلب نقاط منطقه بسیار کم است، اما در عوض با توجه به شیب بالای

منطقه و بسترهای رسی منطقه و سازندهای کم و بیش نرم آن، میزان فرسایش در منطقه بسیار زیاد است.

هیچوقت نمی‌توان ادعا نمود که ما در شناسایی کلی پراکندگی‌ها بطور کامل موفق بوده‌ایم، زیرا عواملی که مکان‌های فرهنگی را از چشم‌ها پنهان می‌کنند، بسیار متغیراند. می‌دانیم که بخش‌های عمده‌ای از منطقه دارای زمین ریخت پویایی است و شماری از دره‌های آن دچار فرسایش عمده‌ای شده و در مواردی ممکن است محوطه‌های قدیمی‌تر در زیر رسوبات دفن شده باشند که در بررسی‌های سطحی قابل شناسایی نیستند. این موضوع باعث خواهد شد الگوهای استقرار تقریباً متفاوت از زمان خود باشند. به عنوان مثال با اینکه می‌دانیم اغلب محوطه‌ها تمایل دارند در مکان‌هایی واقع شوند که از نظر زیست محیطی به چشم‌اندازهای متنوعی دسترسی مناسب داشته باشند، اما الگوی کنونی، واقع شدن در حاشیه رودخانه را ترسیم می‌کند، ولی بعید نیست که این وضعیت به دلیل فرسایش برخی نقاط و یا رسوب گرفتگی محل‌های دیگر پدید آمده باشد. بنابراین ممکن است محوطه‌هایی از دوره‌های مختلف در منطقه وجود داشته که به علت فرسایش از بین رفته باشند یا در زیر رسوبات حاصل از فرسایش ارتفاعات مدفون شده باشند.

در بررسی محدوده طرح بلبر مکان‌های اندکی شناسایی شده است. این مکان‌ها یا محوطه‌ها در موقعیت‌های مختلف و فواصل گوناگون واقع شده و دارای میزان پراکندگی متفاوتی از مواد فرهنگی و دست ساخته‌ها هستند و احتمالاً دارای کارکردهای گوناگونی هم بوده‌اند. آثار شناسایی شده را می‌توان در غالب گورستان، تپه و محوطه طبقه‌بندی کرد.

با اینکه شمار برخی از محوطه‌ها چون تپه فلاگه گومه رش دارای ظاهر مشخص و برجستگی مصنوعی است که با تصاویر هوایی و ماهواره‌ای و یا از فاصله دور نیز

استقرار جذاب‌تر از سایر نقاط شیب‌دار و سنگلاخی دره کند. کمبود محوطه‌های باستانی در محدوده دره به احتمال زیاد با جریان‌های زمین‌ریخت‌شناسی و وضعیت توپوگرافی دره در ارتباط است تا هرچیز دیگر. فقدان اراضی قابل کشاورزی، سنگلاخی بودن منطقه و شیب بیش از حد اراضی واقع در دره باعث شده تا در سرتاسر منطقه تنها ۹ محوطه باستانی و دو گورستان دوره معاصر شکل بگیرد. قرارگیری در شیب دامنه‌ها و تک دوره‌ای بودن محوطه‌ها باعث گردیده در اغلب محوطه‌های گمانه‌زنی شده ما تنها شاهد بقایای ناچیزی از پی‌های سنگی محقر و شمار اندکی قطعه سفال باشیم که به ظاهر در بستری طبیعی و فاقد هر گونه نهشته باستان-شناختی چشمگیر، پراکنده هستند.

ظاهراً در طول تاریخ به دلایل پیش گفته، دره نگل-نی آباد دارای استقرارهای متعدد و چندان مهمی نبوده و با توجه به شرایط محیطی و توپوگرافی شاهد آبادانی و رونق این نواحی نیستیم. الگوی پراکندگی مکان‌های باستانی و وضعیت ظاهری نهشته‌های باستان‌شناختی نشان می‌دهد که الگویی مشابه با امروز در منطقه حکمفرما بوده است. در حال حاضر در شش ماه از سال مردم منطقه در خانه‌ها و اترافگاه‌های پراکنده واقع در زمین کشاورزی و باغ خود در حاشیه رودخانه زندگی می‌کنند و طی فصل سرد سال به روستا باز می‌گردند. بدون تردید این الگو به دلیل محدودیت‌های زیست محیطی شکل گرفته و ادامه یافته است.

با این حال، وجود گورستانی چون ده کهنه ۱ که ظاهراً وسعت قابل توجهی دارد، نشان می‌دهد که دره رودخانه سیروان، همچون پیرامون دریاچه زریبار می‌توانسته میزبان دامپروران متحرکی بوده باشد که بخشی از سال را در این ناحیه سپری می‌کرده‌اند. هر چند برای فهم درست این موضوع ما نیازمند مطالعات تخصصی‌تر هستیم.

قابل تشخیص هستند، اما اغلب محوطه‌ها نیز فاقد هرگونه شکل مصنوعی و عارضه مشخص بوده و اغلب تنها شامل پراکندگی قطعات شکسته سفال است. از این رو با بررسی پیمایشی بود که موفق شدیم تا شماری محوطه فصلی و فاقد هرگونه عارضه مشخص را شناسائی کنیم.

همانگونه که پیشتر نیز آمد منطقه مورد بررسی با ارتفاعات متعددی محصور شده و دره، شکلی ۷ مانند به خود گرفته که عرض اندک و شیب تندی دارد. این وضعیت شرایط ایده‌آلی برای شکل‌گیری محوطه‌ها و استقرارهای انسانی نیست و به همین دلیل پیش از بررسی نیز انتظار کشف محوطه‌های متعدد منطقی نبود. هر چند دره مذکور به عنوان یک گذرگاه کوهستانی میان زاگرس و بین‌النهرین انگاشته شده، اما یافته‌های بررسی اخیر اطلاعات جدیدی در این زمینه به ما نمی‌دهد.

در نتیجه بررسی مجموعاً ۱۱ محوطه شناسائی گردید. قدیم‌ترین محوطه به دوره اشکانی تعلق دارد و یافته‌های قدیمی‌تری از این بررسی به دست نیامده است. از این دوره با احتیاط ۸ محوطه شناسائی شده که شامل ۷ محوطه استقراری و ۱ گورستان است. پس از این دوره تنها ۱ محوطه استقراری شناسائی شد (قلاگه گومه رش) که یافته‌هایی از قرون ۴ تا ۶ هجری دارد. در واقع اگر برخی از قطعات سفالی قلاگه گومه رش مربوط به دوره ساسانی نباشد، از دوره ساسانی و صدر اسلام نیز محوطه‌ای شناسائی نشد. اما بعید نیست قلاگه گومه رش دارای بقایای قدیمی‌تر نیز باشد.

محوطه‌های شناسائی شده اغلب در عریض‌ترین بخش دره و درست در جایی که اراضی به نسبت سایر بخش‌ها شیب کمتری دارد، واقع شده‌اند. در این نواحی طبیعتاً تراس‌های طبیعی قابل کشت و منابع آب نیز وجود دارد و مجموع اینها می‌توانسته محل‌های مورد نظر را برای

سپاسگزاری

از پژوهشکده باستان‌شناسی به ویژه خانم دکتر حمیده چوبک رئیس وقت پژوهشکده و آقای دکتر علیرضا سرداری‌زارچی مسئول محترم بخش نجات‌بخشی پژوهشکده و مشاور علمی و راهبردی طرح بررسی و همچنین خانم معصومه جاویدخواه برای همکاری‌هایشان سپاسگزاری و قدردانی نمایم. در استان کردستان از همکاری‌های آقای صابر وفایی و خانم مژگان سیف پناهی و به ویژه آقای زاهد کریمی ناظر برنامه گمانه‌زنی برخوردار بودیم، که از این همکاران گرامی نیز متشکریم. همچنین، از آقای دکتر امیر ساعدم‌وچشی و آقای زاهد کریمی برای در اختیار نهادن اطلاعات ارزشمندشان در زمینه پیشینه فعالیت‌های باستان‌شناسی در منطقه سپاسگزارم. از آقای مهندس علی مردی مدیر طرح بلبر و آقای دکتر فرزاد مافی مشاور باستان‌شناس شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران برای همه همکاری‌ها و همراهی‌هایشان متشکریم. آقای مهندس مردی و آقای مهندس فرجی معاون محترم اجرائی سد آزاد، خارج از وظایف خود، امکان اسکان هیئت باستان‌شناسی را در اقامتگاه سد آزاد شهرستان سروآباد فراهم آوردند و امکانی فراهم نمودند تا هیئت در محیطی مناسب به پژوهش میدانی خود ادامه دهد. کار بررسی و گمانه‌زنی در محدوده طرح بلبر به همت اعضای توانا و سخت‌کوش هیات به انجام رسید و همه اعضا در تلاش بودند تا به بهترین نحو ممکن این بررسی به انجام برسد. از این رو از همه این همکاران آقایان محمدجواد جعفری، سجاد علی‌بیگی و رضا عزیزی قدردانی می‌کنیم. همچنین ضروری است از آقای ناصر امینی‌خواه و خانم معصومه بایزیدی به ترتیب برای طراحی سفال‌های برنامه بررسی و گمانه‌زنی، از آقای دکتر سعید بهرامیان برای تهیه نقشه و از آقای رضا عزیزی برای تهیه تصاویر هوایی سپاسگزاری نمایم.

منابع

آذرنوش، مسعود (۱۳۵۴). کاوش‌های گورستان محوطه سنگ شیر. در گزارش‌های سومین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، زیر نظر فیروز باقرزاده. تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران، ۷۰-۵۱.

آذرنوش، مسعود (۲۵۳۵). دومین فصل کاوش در محوطه باستانی سنگ شیر در همدان، ۱۳۵۴. در گزارش‌های چهارمین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، زیر نظر فیروز باقرزاده. تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران، ۴۰-۵۹.

بیگلری، فریدون، شیدرننگ، سونیا، رحمتی، مرتضی، مشکور، مرجان، ساعدم‌وچشی، امیر، قسیم، طاهر، زارع، سپهر، اکبری، مسعود، حسین تهرانی، ندا، محمدی، سیروان، نصراللهی، صلاح، داوودی، حسین، امیری، سریه، فتحی، هما، عبدالله‌پور، محمد (۱۳۹۵). بررسی و کاوش نجات‌بخشی در محدوده سد داریان، اورامان (هورامان)، کردستان و کرمانشاه. در گزارش‌های پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، ۱۵ تا ۱۷ اسفند ۱۳۹۵، به کوشش حمیده چوبک. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۵۴-۴۹.

بهینا، علی (۱۳۹۵). گزارش گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و حریم تپه عبدالله بگ ترخان‌آباد مریوان. مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کردستان (منتشر نشده).

جوانمردزاده، اردشیر، دارابی، حجت، ناصری، رضا (۱۳۹۰). بررسی باستان‌شناسی محدوده سد آزاد، استان کردستان. پیام باستان‌شناسی، ۸(۱۵)، ۷۵-۹۲.

خسروی، لیلا (۱۳۸۷). کاوش در محوطه‌های لوشته و حاجی‌آباد حوزه آبخیز سد آزاد مریوان- کردستان. تهران: آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۶۶۷-۶۷۲.

ساعدموچشی، امیر، نصراللهی، صلاح، حدادیان، فریاد (۱۳۹۴). گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه سرقلعه سروآباد. در گزارش‌های چهاردهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، ۱۶ تا ۱۸ اسفند ۱۳۹۴، به کوشش حمیده چوبک. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۲۳۰-۲۲۷.

شیدرننگ، سونیا، بیگلری، فریدون، داوودی، حسین، شریفی، هادی، فتحی، هما، رحمتی، مرتضی، زارعی، سپهر، قسیم، طاهر (۱۳۸۹). کاوش‌های نجات بخشی در مکان‌های پارینه‌سنگی هجیج (محدوده سد و نیروگاه داریان)، پاره، کرمانشاه. در گزارش‌های پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، ۱۵ تا ۱۷ اسفند ۱۳۹۵، به کوشش حمیده چوبک. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۳۷۲-۳۶۶.

علی‌بیگی، سجاد (۱۳۸۹). از سرگیری پژوهش‌های باستان‌شناختی در محوطه پارتی بیستون. پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، ۲(۳)، ۳۹-۶۹.

قسیمی، طاهر، اکبری، مسعود، قاسمیان، مجتبی، قسیم، آکام، قدری، محمدرضا، داودی، حسین، عزیزی، اقبال، رضاقلی، محمدرستگار (۱۳۹۵). کاوش نجات بخشی یک گور عصر آهن در روار، محدوده سد و نیروگاه داریان، هورامان، کردستان. در گزارش‌های پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، ۱۵ تا ۱۷ اسفند ۱۳۹۵، به کوشش حمیده چوبک. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۴۹۹-۵۰۴.

کامبخش‌فرد، سیف‌الله (۱۳۷۷). گور خمره‌های اشکانی، (پیوست شماره ۱ مجله باستان‌شناسی و تاریخ). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

رضوانی، حسن (۱۳۸۵). آتشکده شیان. بروشور منتشر شده توسط پایگاه میراث فرهنگی محور ساسانی کرمانشاه-قصر شیرین.

رهبر، مهدی (۱۳۹۰). آرامگاه زیرزمینی الیمایی در صالح داوود. در نامور نامه، مقاله‌هایی در پاسداشت یاد مسعود آذرنوش، به کوشش فهیمی، حمید و کریم عزیزاده. تهران: ایران نگار، ۲۸۹-۳۱۴.

ساعدموچشی، امیر، آذرشب، علی، غفاری، زهرا (۱۳۹۱). تپه سرقلعه: شواهدی از سفال اوروک در استان کردستان و ارتباط آن با مسیرهای ارتباطی بین‌النهرین. پیام باستان‌شناسی، ۹(۱۸)، ۳۷-۴۸.

ساعدموچشی، امیر، رحمتی، مرتضی، آذرشب، علی، عبدالله‌پور، محمد (۱۳۹۳). بررسی پارینه‌سنگی در شهرستان‌های کامیاران و سروآباد، کردستان، ۱۳۹۱. در مقاله‌های کوتاه دوازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، ۲۹ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی. ویراسته کوروش روستایی و مهران غلامی، ۲۴۴-۲۴۷.

ساعدموچشی، امیر، محمدی قصریان، سیروان، زمانی-دادانه، مرتضی، خسروی، سلمان و امیری، سریه (۱۳۹۵). کاوش نجات بخشی محوطه سرچم روستای روآر، محدوده سد داریان، اورامان، کردستان. در گزارش‌های پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، ۱۵ تا ۱۷ اسفند ۱۳۹۵، به کوشش حمیده چوبک. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۶۶۲-۶۶۶.

ساعدموچشی، امیر، نیکزاد، میثم، زمانی دادانه، مرتضی، سیف‌پناهی، مژگان، محمدی قصریان، سیروان، دادیو، حسین (۱۳۹۵). کاوش نجات بخشی محوطه برده مار در محدوده سد داریان، اورامان، استان کردستان. در گزارش‌های پانزدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، ۱۵ تا ۱۷ اسفند ۱۳۹۵، به کوشش حمیده چوبک.

معصومیان، محمد، احمد، زیاد، گنجایان، حمید، کرپنر، یانوشا، بهنیا، علی، کسرای، نادر (۱۴۰۱). ارزیابی تاثیرپذیری مخاطرات محیطی در آسیب‌پذیری گورستان‌های خمره‌ای اشکانی مریوان (مطالعه موردی: گورستان زردویان). *پیام باستان‌شناس*، ۱۴ (۲۶)، ۱-۲۱.

Biglari, F. Shidrang, S. (2019). Rescuing the Paleolithic Heritage of Hawraman, Kurdistan, Iranian Zagros. *Near Eastern Archaeology*, 82(4), 226- 235.

Keall E. J., and Keall, M. J. (1981). The Qal'e-Yazdigird Pottery: A Statistical Approach. *Iran XIX*, 33-80.

Ghasimi, T., Akbari, M., Ghasemian, M., Ghasimi, A., Ghadri, M., Bahrololoumi Shapurabadi, F., Fujisava, A., Davoudi, H., Manca, L., Salehvand, N., Azimi, M., Azizi, E., and Agha Ali Gol, D. (2021). Ruwar Tomb: New Insights into Mateial Culture, urial Practice and Bioarchaeology of the Iron Age Communities in the Hawramman Mountains, Kurdistan, Iran. *Bulletin of the Miho Museum*, 21, 111- 122.

Hodder, I. and Orton, C. (1976). *Spatial Analysis in Archaeology*. Cambridge: Cambridge University Press.

Mohammadifar, Y. and Motarjem, A. (2009). Settlement Continuity in Kurdistan. *Antiquity* 82 (317), Project Gallery.

Plog, S., Plog, F., and Wait, W. (1978). Decision making in modern survey. In M. B. Schiffer (ed.), *Advances in Archaeological Method and Theory*. New York: Academic Press, 384-421.

Salimi, S., Dehpahlavan, M., and MacGinnis, J. (2021). *A Survey on Parthian Pithos Cemeteries on The Western Bank of the Little Zab River, Sardasht Region, Northwest Iran*. *Iran*, 1-19.

کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۸۶). کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و احیاء معماری معبد آناهیتای کنگاور و تاق‌گرا، جلد اول. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی.

کریمی، زاهد، سیف‌پناهی، مژگان (۱۳۹۲). گزارش شناسایی و بررسی باستان‌شناسی دهستان‌های ژریره و پایگلان شهرستان سروآباد. آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کردستان (منتشر نشده).

محمدی‌فر، یعقوب و مترجم، عباس. (۱۳۸۱). گزارش بررسی و شناسایی شهرستان مریوان. آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کردستان (منتشر نشده).

محمدی‌فر، یعقوب، هژبری نوبری، علیرضا (۱۳۸۳). نگرشی بر آئین تدفین گور خمره‌ای دوران اشکانی در حاشیه غربی زاگرس مرکزی (مریوان). *پیام باستان‌شناس*، ۱ (پیش شماره دوم)، ۲۹-۴۲.

محمدی‌فر، یعقوب، صراف، محمدرحیم (۱۳۸۳). نگرشی بر آئین تدفین گور خمره‌ای دوران اشکانی در حاشیه غربی زاگرس مرکزی (مریوان). *مجله مطالعات ایرانی*، ۳ (۶)، ۵۱-۶۲.

معصومیان، محمد و رحیمی گلوگاهی، مرضیه. (۱۳۹۱). باستان‌شناسی استان کردستان. در *مجموعه مقالات هشتمین سال باستان‌شناسی ایران*، به کوشش یوسف حسن زاده و سیما میری. تهران: پایزنه و موزه ملی ایران، ۴۲۱-۴۳۴.



The Archaeological Research at the Ancient Sites of Sirwan River Valley, Sanandaj and Sarvabad Counties, Kurdistan Province

Shokouh Khosravi ¹, Saman Mostasapour ², Farhad Fatahi ²

DOI: 10.30495/peb.2023.702228

Abstract

The Archaeological Survey of a part of the Valley of Sirwan River between the east of Sarvabad County and the west of Sanandaj County in the southwest of Kurdistan province was carried out in October 2016. The area is surrounded by many heights covered with oak and banyan trees, forming a V-shaped valley with a short width and a steep slope. This situation is not an ideal condition for the formation of sites and human settlements, and therefore, it was not logical to expect the discovery of many sites before the survey. This survey included only the catchment areas of Nayabad Dam, where in total 11 sites were identified. The oldest identified settlements, including 6 sites, belonged to the Parthian period, and no older findings were obtained from this survey. Just a site had evidence from the 4th to 6th AD centuries. It seems that the lack of ancient sites in the valley is most likely related to the geological and topographic conditions of the valley. The lack of arable land, the stony nature of the area, and the excessive slope of the land in the valley have caused the formation of only nine ancient sites and two cemeteries throughout the region. Locating on the slopes and being single-period sites are reasons we see only a small number of pottery pieces in most of the sites, which apparently are scattered in a natural bed without any archaeological deposits. To identify the endangered sites of the valley, four of them were excavated (tested by 3-5 sondages), three of which had the remains of seasonal settlements, and in the area of Deh Kohene 1, a graveyard from the Parthian period was revealed, where a simple pit grave and a burial pot were revealed from there. Due to the mentioned reasons, the Sirwan River valley from Nagal to Nai Abad has not had numerous and important settlements throughout history due to environmental conditions and topography. The distribution pattern of the ancient sites and the appearance of the archaeological deposits show that a pattern similar to today has been ruling in the region in the past. At present, for six months of the year, the people of the region live in scattered houses and places located in their agricultural land and gardens on the edge of the river and return to the village during the cold season. Undoubtedly, this pattern was formed due to environmental restrictions and has continued to the present.

Keywords: Kurdistan, Sarvabad, Sirwan River, Parthian Period, seasonal settlement, burial pot.

* **Citation:** Khosravi, S., Mostafapour, S., & Fatahi, F. (2023). The Archaeological Research at the Ancient Sites of Sirwan River Valley, Sanandaj and Sarvabad Counties, Kurdistan Province. *Payām-e Bāstānshenās*, 14(27), 155-185. (In Persian)

¹ Department of Archaeology, University of Tarbiat Modares, Tehran, Iran. Corresponding author: Shokouh.khosravi@gmail.com

² Department of Archaeology, Razi University, Kermanshah, Iran.